





معلوم اوله که صواب وخطا جدول دارند و افعاله اولان
 قطعه به ق ویتده ت و مصراعده ع و صوابه ص
 و خطایه خ حروفی اشارت
 اولم شد

قطعه	پیت	صواب	خطا
ق ۰۲	ت ۰۶	ص پنج کج	خ پنج و کج
ق ۰۵	ت ۰۴	ص جفاه	خ جفانه
ق ۰۹	ت ۰۲	ص ناس	خ باس
ق ۱۰	ت ۰۲	ص انخیر	خ انخیره و
ق ۱۰	ت ۰۶	ص ناخته	خ ناخته
ق ۱۱	ت ۰۱	ص خجیل	خ خجیل
ق ۱۱	ت ۱۰	ص اخذ و شرا	خ اخذ و شرا
ق ۱۲	ت ۰۳	ص عروبه	خ عروبه
ق ۱۲	ت ۰۶	ص تکاب	خ تکارب
ق ۱۳	ت ۰۷	ص باورنده	خ باورنده
ق ۱۳	ت ۰۹	ص برقع	خ برقع
ق ۱۸	ت ۰۱	ص مرت	خ مرد
ق ۱۸	ت ۰۲	ص اداره	خ اواره
ق ۲۰	ت ۰۹	ص دشخیم	خ دشخیم
ق ۲۰	ت ۱۲	ص خدامر	خ خدامر
ق ۲۱	ت ۰۳	ص بند کردن	خ بند کردن
ق ۲۲	ت ۰۱	ص ربب	خ ربب
ق ۲۲	ت ۱۲	ص خدیجه	خ خدیجه
ق ۲۳	ت ۰۱	ص یزدان و مبدی	خ یزدان مبدی
ق ۲۳	ت ۰۳	ص پیت	خ پیت

ق ۲۳	ت ۰۳	ع ثنی	ص ابرال	خ ابرال
ق ۲۳	ت ۰۴	ع اول	ص دراز	خ دیراز
ق ۲۴	ت ۰۴	ع اول	ص جامه	خ جامد
ق ۲۴	ت ۰۷	ع ثانی	ص خسته لکدر رنجه	خ خسته لکدر رنجه
ق ۲۵	ت ۰۹	ع اول	ص اقبح	خ قبیح
ق ۲۵	ت ۱۰	ع اول	ص حقب	خ حقت
ق ۲۶	ت ۰۷	ع اول	ص سیر	خ سر
ق ۲۶	ت ۰۷	ع ثانی	ص بیر بدن	خ بیر بدن
ق ۲۷	ت ۰۲	ع اول	ص انتفاخ	خ انتفاخ
ق ۲۷	ت ۰۳	ع ثانی	ص پیچ	خ پیچ
ق ۲۷	ت ۰۹	ع ثانی	ص انمیاث	خ انمیاث
ق ۲۸	ت ۰۶	ع ثانی	ص مازیره	خ مازیره
ق ۲۸	ت ۰۹	ع اول	ص هسد و غاری	خ هسدی و غاری
ق ۲۹	ت ۱۳	ع اول	ص اشک	خ شک
ق ۳۱	ت ۰۵	ع ثانی	ص یقندر	خ یقندر
ق ۳۲	ت ۰۳	ع اول	ص پرهیدن	خ پرهیدن
ق ۳۲	ت ۱۰	ع اول	ص انشعاب	خ انشعاب
ق ۳۲	ت ۰۳	ع اول	ص شرید و سال	خ شرید و سال
ق ۳۵	ت ۱۰	ع ثانی	ص آبسیان	خ آبستان
ق ۳۸	ت ۱۱	ع ثانی	ص بداد	خ بداد
ق ۳۹	ت ۰۷	ع ثانی	ص فلق هم	خ هم فلق
ق ۳۹	ت ۰۸	ع اول	ص سبلی	خ سبلی
ق ۴۰	ت ۱۲	ع اول	ص بست	خ بست
ق ۴۳	ت ۰۸	ع ثانی	ص پسته جذید	خ پسته و جذید
ق ۴۴	ت ۰۶	ع اول	ص هشر اولدی اوز رخ	خ هشر و اوز بر در

* بسم الله الرحمن الرحيم *
* سراین نامہ رانا جست توحید *

بنام ناظم دیوان هستی
بعشق منشی حکم السی

بحمد منعم خوان لغتها
بشکر رازق و غلام ودانا

کہ بر کجینہ پنهان ایدی او
عما اقلینہ سلطان ایدی او

خروشه کلدی دریای محبت
ظہور ابدی در عرفان وحدت

یاراندی نور فخر کائناتی
منور ابدی بوشجھاتی

او نورک پرتوندن رب معبود
جبع انبیا فی قیلدی موجود

بو عالم ذاته برهان قاطع
جہانہ رحمتی تیان نافع

اساس حکمتی کثر مطلبم
رموز قدرتی راموز مبہم

صحاح جوہری نظم الالائی
کتاب بہجہ معیار جالی

بتشہیر نظم توحیدین ادایہ
باراشہیر حسن افعالن ثنایہ

نہ ممکن شکرین ایتک ای دل آکاء
کہ بر قاموس اعظم نعمۃ الله

لغات فارسی ترکی و تازی
لسان خلقہ و یردی امتیازی

* و پروب قدرت بو نظمی قیلدم انشا *
* حمدا ثم حمدا ثم حمدا *

* بخوان نعت رسول پر محمد *

محمد احد و محمود و حامد
بشیر و منذر و مختار و ماجد

حبیب کبریا محبوب مولی
معالی مجتبی ازکی و ابھی

ہمای اوج علیین لولاک
ہزار کلمستان ماعرفناک

شہنشاہ سریر قاب قوسین
شہ ملک بقا سلطان کونین

مہ برج علی خورشید معراج
فلک نعلن ایتش باشنہ تاج

فروغ مہر افلاک نبوت
ضیاء شمعہ بزم هویت

کروہ انبیانک مقتداسی
جبع اولیانک رہنمائی

حقایق دان اسرار لدنی
دقایق بین اطوار لدنی

جناب رحمة للعالمین او
قیامتہ شفیع المذنبین او

ہب اصحاب رسولک کلیدر
ابوبکرو عمر عثمان علیدر

نجوم اقتداد در جملہ اصحاب
ابدل آدمی فردوسہ رھیاب

صلوة الله مامر الیالی
علی خیر الرایا بالتوالی

* سلام الرب مسکی الختام *
* علی الاصحاب والال الکرام *

شهنشاه جهان سلطان محمود
فلکشان مهر شوکت ظل معبود
فریدون سلطنت خاقان دوران
فلاطون منقبت جشید عنوان
ملوک آب رویی افتخاری
جهانک پادشاه کامکاری
در والاسنه یوز سوردی افلاک
علو قدر و شان قیلدی ادراک
اولجه برق تیغی آتش افشان
اولورد و زخشان دریای عمان
نسیم لطیف ناره اوغراسه کر
شرارین کل دخان سنبل ایلر
فلک ارد ویرنده بارکاهی
کروبیون ظفر خواه سپاهی
دلی آینه عالمقادر
جالی مهر و مهدن روشنادر
شه والا کهرکان عوارف
مقادر آشتا بحر معارف
خطی آب حیات جاودانی
ویرر شیخه کمال نوجوانی
یازلدجه لغات و شعروانشا
اوقوندجه علوم فن و املا
اولوب غالب مدام اعدای دیند
آصه شمشیرینی عرش برینه

* ووروب شهزاده راوشاهه یزدان *

* سریرنده اوله مسرور و خندان *

چه کوید بشنواز عینی مهجور
سمدیده بلا کش زار و غمخور
زهجرت شد هزار و صد به شهتاد
مرادر عینتاب افصاد میلاد
بحمدالله بنشدم بیست ساله
موسکار اولدی دل علم و کماله
اوقودم اولای نظم اللاکی
نیجه موزون لغات اینجو مثالی
هله فن لغتده ماهر اولدم
آنکله عالم اولدم شاعر اولدم
سنه بیک ایکی یوز بش ماه شوال
ستانبول اولدی باکجه جای اقبال
سخنور لکده قیلدم ذاتم اثبات
کروه شاعرانی ایلدم مات
اولوب برمرشد آگاهه بنده
سلوک ایتدم طریق نقشبنده
بونظم در مشالی ایتدم انشا
نظیرین کورممشدر چشم دنیا
اولندی با هزار عز و تعظیم
حضور پادشاهه عرض و تقدیم
اوشاهه مقصدم جلب دعادر
دوام شوکت حقن رجادر
زهی منظومه فرخنده انجام
زمان دولتمده بولدی اتمام

* بولوب تاریخ واسمن بر سحرگاه *

* دیدم نظم الجواهر ای دل آگاه *

* نصیحت کردن ناظم پیورش *

عزیزم یوسفم او غلوم افندم
ایا فیض خدادن بهره مندم
سراسر از برایت ای کان اذعان
او قوبو نظمی بعد از ختم قرآن
قوله فن لغاتی بر دم الدن
مهارت کسب ایدوب علم واد بده
نظیرک اولسون فرس و عربده
فیل آل آتش عشق خدادن
او قود یوان این فارسی سن
محیط اعظم و دیوان بیدل
اوله حفظ کده ای بحر فضائل
چکوب ال ماسوادن اهل حال اول
طریق عشقه کبر صاحب کمال اول
در و نک مهر و مهدن انور اولسون
دلک اسرار عشقه مظهر اولسون

* سنی بن ایتدم الله امانت *

* نه لازم غیری عز و جاه و دولت *

* بیان نظم ترتیب کتابست *

لغت علمیده بر منظومه یا پدم
یومیدانده معارف طوی قاید
قبلوب یوز التزامات اوزره انشا
ایکرم بسی ایدر ترتیب امل
ایدوب حرف هجاده نظم و ترتیب
کایم اوچ اساندن اولدی ترکیب
باصوب طاش بفرمه یوز قطعه یازدم
هنوز لک آدین مر مرده یازدم
اون اوچ بیت اولوب هر قطعه مرهون
ایکی آخرده کی بیت همایون
بهر ییتی سکز جوهر له پردر
که هر بر قطعه تقریباً یوز در
یواوچ دیلدن لغات ملزملر
چچکلرله مزیندر سراسر
لغات تازی کیم بوق التزامی
چکوب خط اوستنه و یردم نظامی
کهی تازی کهی بر فرس مصرع
سر هر قطعه به تاج مرصع
برر اسم خدا نام پیبر
مطالعارده مهر و ماهه بکزر
ایدر اوللری صولک بیتک ای ذات
شمار قطعه و تعداد ایات
الفده اون طقوز قطعه محرر
اوچر قطعه قوافی دیگر

* اولوب هر صفحه ده بر قطعه مسطور *

* کایم ایلدم بش جزئه محصور *

یعنی هر بیت سکز و هر مصرع
درت و هر قطعه تقریباً یوز
لغات مشتملدر
معلوم اوله که با صمه نسخ کرده
لغات ملزومات مذکور لک
سر و پاینه برر چچک وضع
و ملزوم اولیان لغات عربیه
اوزرینه بر خط سیاه کشیده
اولمشدر اما قلم ایله استنساخ
اولنور ایسه لغات ملزومات
سر خله تحریر اولوب ملزوم
اولیان لغات عربیه اوزره
برر سرخ خط کشیده ایتک
لازمدر
یعنی اون برنجی بیتک اولنده
ایبان اولتان حروفات و کلمات
عدد قطعه به اشارت
و مصرع ثانی سنده ایراد
اولتان کلمات عدد ایساته
علامتدیر

* باند رقعه هاجل التزامات *

دی بسم اللهی اول بول حیاتی
 صفات ذاتی پیل حد و صلوتی
 رسولک آل و اصحابین اید و ب یاد
 درونک نور اوله جان و دل شاد
 شروط دین اسلام اولدی ظاهر
 نمازک شرطنی فهم ایله بربر
 صفتهای ثبوتیه مرتب
 صفات انبیا و چار مذهب
 پیل ایمانک شروطن حفظ ایت آتی
 هم اجدادنی شاه زمانی
 اولندی اصطلاح مکتب انشا
 هجا و سورة قرآن املا
 فنونک اصطلاحن دفتر ایله
 قرائت صرف و نحوی ازبر ایله
 معانی و بیان فهم ایت بدیعن
 عروض و قافیه منطق جمیعن
 کلوب آداب و حکمت هیئت اوکرن
 اوقو اخلاصی تفسیر ایلدم بن
 اوقوکل هندسه علم حسابی
 طعمام ایت طبه ایله انتسابی
 طبور و علم فقهی ایله ازبر
 فرائضه بلندی اقربار
 اصول فقهی تعلیم ایله بندر
 کیمه کوندز چالشمق اشته سندن

* اوقو علم حدیثی قبل تشریف *

* سلوک اربابینه لازم تصوف *

* چهل چیزست در بیت همایون *

شروط جمعه اسماء اولی العزم
 قیل اولاد رسولی بیلکه جزم
 مبشر بالجنائی ایله کل یسار
 شروط یاد شاهی اولدی تعداد
 یازلدی حرف و کلم و آی قرآن
 کیم ابتدی جمع و کتب و حفظ فرقان
 مدینه مکه ده نازل اولانسلر
 دخی منسوخ و ناسخلر محرر
 امامان دوازده اولدی تحریر
 دخی اصحاب بدن ارباب تفسیر
 هم آی السجده و قراء اصحاب
 حروف ذوالقه ایله اول صفایاب
 حروف عاطفه معنای مابی
 پیل ازواج حبیب کبریایی
 شهور قبض و اسماء رسالدن
 نه در پیل منصرف لایتنصرف سن
 شهور واسب نازی ماه رومی
 کتابک مأخذندن آل رسومی
 حروف هشت یوقدر فار سیده
 حروف چار واری نور دیده
 حروف شبه و سال ترک و مسوخ
 یازلدی سبعة سیاره ای شوخ
 یزم مذهبیده ای مرد مروت
 بی اولمقلانک شرطی ذکورتن

* بلندی معنی واو ای شکر قسم *

* شهور فرس اون ایکی قلم هم *

✽ بدان تقسیم هشتاد الترامات ✽

همان قرق اوج عدد قطه سراسر

اوفر ق اشيا ايله اولدى محرر

یوز اوز درت سوره نلک اسمبله جانا

یدی قطعه اولندی نظم و انشا

حساب و اطعمه وزن و قرائت

ایک بکشر قطعہ و پردی بلاغت

دخی الی بر ایسات همایون

در چل ملتر مله کتر مشحون

که بیست و هشت قطعه آخرند.

مرتب هربری را ویرند.

یازلدی بشقه صنعتله دکرل

آنی فهم ایله ارباب هنر

اساس نظم اولوب تازی اغساتی

لسان دیگر. ویردی ثباتی

اوپچی بربرده جمع اولدی محرر

تقدمه. تا آخره. برابر

ایدر لر بر برین تفسیر واعلان

آنی ادراك ایدر صبیان و شیخان

ولی فرس و عرب بعضی محلد:

عدد ده. سر پرند در زیاده.

زیاده لفظ وحشویات و مرهون

اواندی نظمزدن دور و بیرون

اولوب هر قطعه بر طور غزلده

کهرش سویلنور هر ر محاده.

* او قوسون مبتدیلر منتھیلر *

اولدر هرری بر فیضه مظهر

یعنی یوز عدد قطعاً بدن همان
 فرق اوج عدد قطعه کرده
 التزامات مذکور را براد اولیوب
 باقی الی بربی قطعات ملترمه
 اولیوب بشقه صنایع شعبیه
 ایله تنظیم کذلک ایکی یوز
 ایات همایوندن انجیق الی بر
 قدر ایاتنده فرق مقدار فوائد
 جالبه در عهده اولیوب باقی فرق
 طغوز ایات صنایع دیگر له
 ادا و تفهیم اولمشدر

ان بسم الله مفتاح باب الابدان

تكرينك آديله * بسم الله * وبانام خدا
باشلديق آغاز كرديم وابدانا اولاً
ابزدو * الله * تكري واردر * موجود * وهست
نفس * وخودكندی طوران پاینده * قائم * ای فتا
نویکی * حادث * دکلدر لاونی بریک * احد
اسکی دیرین و * قدیم * وماندن فالقی * بقا
بسلین پروردگار ورب و پرربعطی دهد
باردیحی خالق ویزدان دیلر خواهد بشا
مثلی یوق لاند بی مانند اتی اوراله
اوکهدر * حد * و سپاسیدن حری لایق سزا
کلدی آمد جاء من مولی زلر لرتکریدن
ایلچی پیغمبر رسول کبریا در این بوذا
شهر پیغمبر مدینه طیبه و مر حومه در
خان دل آباد کعبه بکه وام القری
هم چهار اقران ابوبکر و عمر عثمان علی
چار یار اولدی بیوکلکدر بزرگی کبریا
آل * صوی صوب دودمان * اصحاب یاران دوستان
ه ب همه بجه رسوله بالایی و خشور را
اقراً و خوان او قوه هواره و دائم هر زمان
یک هزار الف * و صلوة * ایله درود اولدی دعا
اعط الله ده خدارا ویر جناب حق ایچون
جود * ورادی کیم جو مردلک نیک ابوجید شها

۱۲ * استعین الله فی منظومتی کل الاوان *

* دمبدم در نامه ام یاری بنخواهم از خدا *

* باشلديق زیوجه آدکله بتورای تکریم *

* ابتدا نا باسمک السامی فتم ربنا *

قطعة دینیه انشأتها بالافتدا

اول * و پیشین او کدر اکسه سیدر پس ورا
باقی تکرانلر او یولمشدر * امام و پیشوا
چون مسلماندر یکانه کو موحد کن شو اول
برلمک توحید و یک کردن چلب ایل و خدا
باوری * ایمان * ایشانق * صدق * کرچک راستی
بطله داشتن * شهادت * دل زبان مذب شها
طوعق امسال و گرفتن * صوم * ایله روزه اوروج
خور و کل بی آس شام اخشام طعامیدر عشا
دادن و ازال و یرمک آریدر پاک و * زکوة
حج * و آمد شد کلوب کتمک ایاقدر رجل و پا
پنج و کج اولدی * صلوة نجسه * یعنی بش نماز
فرض تکرری بوبریغی فرموده بار خدا
پاک آری * طاهر * وضو * دست نماز وابدست
دیندی مسا که اراک و جال صودر آب و ما
ستر * و پوشیدن * کیم اورتمک * نیت * و آهنک و عزم
وقت * و هنگام و زمان و * قبله * و سودر یکا
اولدی * تکبیر * و کلان کردن بیوک قلیق دیمک
افتتاح * آچق کشادن آج دیمک افتح کشا
او قومق خواندن * قرائت * طورق اسنادن * قیام
پشت خم کردن * رکوع * کتک بلی فات ضعف و تا
بارہ سردرنهادن * سجده * برکزباش قویق
گاه * و حین و وقت او تورمق * قعده * بندستن شها

۱۳ * شد دوازده در نماز روز آذینه شروط *

* النبی شرط و جوی النبی شرط ادا *

* مصر و سلطان و جماعت ظهر و خطبه اذن عام *

* پایداری صحت و حری نری و چشم و پا *

شروط ایمان

شروط صلوة

شروط جمعه

بسم الله

صفات ذاتیه

جدله

آل و اصحاب

نصیبه

* قطعة قدالهم المنان الى انشائها *

لطيف ايدن بختنده * رحمن * ويركيد بختش جدا

عسجد اتون زرسچامش سرسپدهم * مجتبی *

عالم ودانا * يلكدر هم كورن پينا * بصير

حي * دري زنده همساره كل آن دائما

سمع * ايشتمكدر شتون سويلين كويا * كلیم

كوجلودر * قادر * توانا يلكز تنها خسا

هست كردن بد او * تكوين * اولمش ايجاد ايلك

ايشتمك خواهيدن وخواستن * ارادت * اينغا

ايرمك آخيدن * بلوغ * اولدي بلوك * امت كروه

صافليق * عصمت * نكه داشتن خردا و صدر نهی

خل * وزاركك ديمكدر صاغ * صحيح * وتندرست

عادل * و دادار بي ظلم اولدي اوج كيفر جزا

راه و مذهب بول ديمك طوخری فريورهم * امين

سوز كلام ورنند كرك راستكو * صادق * شها

خون و * نعمان * قان ديمك پاينده و * ثابت * طوران

احد بن * حنبل و * وت * كورك ابا شال و عبا

مالك * وشه پادشه اعني به نسل انس

شافعي * يعني محمد نجل ادریس ای فنا

پك كوزلدر خوبتر احسن دو كوش جنك و جهاد

في سبيل الله حق يواننده در راه خدا

جامقام و مسكن اولمشدر بزه مارا لنا

حال * وايساشميدر دنيا بو عالم اين سزا

* مازیدی اعتقاد اول بو حنیفه مذهب اول *

* اهل سنت و الجماعة اثرينه قبل اقتدا *

* راست رو خود را میفکن باچه جبر و قدر *

* دمیدم در راه حق میباش برخوف و رجا *

صفات نبویه

پیغمبران حقنده واجب
اولان صفات

مذاهب اربعه

* بحمد الله صحيح الاعتقاد مؤتم خفا *

اینان باور کن * آمن * تکرری به * بالال * و کرکرا

رسل * پیغمبران و انبیادر فرد و تک تنها

کتاب اولمش * صحیفه * نامه مصحفدر نبی * قرآن

ملکدر در سر و شان و * ملائک * چرخ کوك جربا

روان جان * روح او اومد نصیره بعد الموت * و پس از مرگ

دیر لیمك زنده كردن * بعث * او دنيا آنجهان * عقی

قدر * اندزه او پلید کزو * شر * خیر * یودرنیک

بلورم دایم اعلم تکریدن از حق و * من مولى

مزارو * قبر * و کور اولمش * عذاب * اشکجه در پاهك

تن و * جسمان * كوده جان دیمكدر رهواس و * حویا

قیامت رستخیز و * قارعه * كوندز نهار و روز

شماریدن شمردن صایمه در عدد و * حساب * احصا

جهنم کور بیدر جینور * جسر السقر * نازی

تراز سنجه و * میزان * رفوشه صوج جناح آسا

زموقیلدن * من الشعر * اینجه باریك و * دقیق * اولمش

رمیض * و تبر کسکن نسنه در * نخدم * قلیج هینا

یکون اولور شود او چمقده در مینوو * فی الجنة

که * رؤیت * کورمه در دیدن دخی دیدار یوز * سما

اولاء و اینهمه بو جله واقع دوشمش افتاده

اینساندق یعنی باوردیم و آما و صدقنا

دلم لسنی زبانم از بر ايله یاد کن احفظ

بن اولدم کنت بودم بیلیمی علامه ودانا

* تماشا ایلر زدید اربی اللهك او چمقده *

* لقاء الرب مولینا زری فی الجنة المأوی *

* بدانید از رسولان خدا این پنج اووالو اعزمت *

* محمد نوح و ابرهیم و موسی حضرت عیسی *

شرائط ایمان

اولو العزم من الرسل

* احفظوا فی نظمنا اجداد فخر الانبیاء *

قل دی کورل * مهین * حق تعالی بدر شها
 اولدی تکرری قوی * عبدالله * و بنده خدا
 پیر بودن * شبیه * قوجالمق که * عبدالمطلب
 اشکنده کسز ایدینی * هاشم * اودار و سرا
 عبد و برده قول شمن بت آیدر اجبت و * مناف
 عابد و زاهد عبادت ایلیندر - پارسا
 اوزاجق نسنه دیمک دورک * قصی ابن کلاب
 برا غاج * مره * درختی اوت جفانه هم کیا
 کعب * اولوقدر شکر ف املوی * خوش نسب
 سرور آتکه له والذ پیر اولدی پایا
 چیره و * غالب * یکندر طاشک آدی * فهر * و سنیك
 مالک * و جم پادشه التون زرو * نصر * و جنا
 یایچی قواس و کاکر لیزم و قوس اولدی یای
 سهم و نیر اوق طرفک آدی * کانه * هم شفا
 اسم تصغیری * خزیمه * حازم اوصلا و هوشند
 مدرک * لاحق اولاشیچی رسنده هم رسا
 اسم * الباس * اولدی عجمه شش سری التون * مضر
 اندک از نسنه * نزار * و عرو و مزجاة و شفا
 یان دیمک پهلو * معد * اولدی اولوزد و جلیل
 اولدی پایا طور یچی * عدنان * دده جد و نیا
 همد و یار و صاحب عرب و تازی در عرب
 هین و آسان قولای اوکک سپاسیدن ثنا

* قاسم ابراهیم و عبدالله اولاد النبی *
 * فاطمه زینب رقیبه ام کلثوم ای فتا *
 * چار بار عامر زبیر و طلحه سعدان ابن عوف *
 * قیلدی یواون ذاتی جنتله بشره صطقی *

عبدالله هم صلی الله تعالی
 علیه و سلمت و هم بدر بنک
 اسعیدر علیه السلام
 اجداد النبی عدد در
 عدله دکر می عدد در
 و متفق علی بهادر و عدنانیدن
 مافوق مختلف فی بهادر

اولاد رسول

* شاه هفت اقلیم خان محمود منصورالاولا *

مقدر * و خلوتوانا ارقه در پشت و مطا
 شاهر و * برهان * کوه ارغند در پاکی نقا
 پادشه * شلمان و * صیدن * تاجور کشور خدا
 معنی * قد موسسنا سلطنتنا یاوند ما
 سایه یزدان و * ظل الله * تکرری کواکه سی
 پادشهلوق * سلطنت * خانی کنش هر روز کا
 تاجدر * اکلیل * و افسر تخت دیهیم * و سرور
 خیمه الیسد پادشاه اوناغیدر تازکیا
 پایتخت اولدی همایون کاه و * دارالسلطنت
 حشره دك استانبولی مهور ایده بار خدا
 صدر اعظمدر * وکیل السلطنت * هم کاردار
 خطه * اقلیم * اولکه قومودن پیور مقدر * قضا
 قارالاجناد * سر عسکر سپهسالار ایش
 رزمگاه و * مله * اردو که چوق جبل و بسا
 شیف * و تیغ اولمش قلع دستور پاشادر * وزیر
 قلم ادی * جور * و ستم ازار اینجتمک اذا
 پاره و * برطیل * رشوت یقه لانا کل مخور
 حرم الله * حق حرام ایتدی شفو کرده خدا
 مرخم * و هرکش قراول اتلوردر * فارس * سوار
 راه و * منهج * بول پیاده عرجله * یعنی یا
 و تم و تازیدن که قوشنق * حبش * و لشکر در چری
 حبس * و شوریدن قار شمشدر و کوش جنک و وغا

* دشمنانی قیر طاغث الایلرین ای تکریمز *
 * قهر الکفار شنت شملهم یاربنا *
 * مجتهد صاحب شجاعت عادل و ذورای و حر *
 * بالغ و عاقل مذکر میشود شاه ای فتا *

۷۸

قال النبی صلی الله علیه
 سلم من مات ولم یعرف امام
 زمانه مات میتة جاهلیة

شریط پادشاهی

* رو بمکتب پسر من ادب آموز و بیا *

سوز سخن قول ایشان اولدی * سمیع * و شنوا
دان بیل اعلم بلیجی یعنی * علم * و دانا
خواجه استاد و * معلم * اوقومق * خواندن * درس
مزر * و خلمه قلم یازمه نوشتن امل
رب یسر * قولای ایت تکرری خدا آسان کن
علم * و دانش دینلور بیللمکه اوص هوش و بجی
لاتعسر * که چنین ایله دشوار مکن
کل فعلی ایشی هب همه کردار مرا
رب تمم * بتور ای تکرری خدا یا انجام
لی * بالخیر * بنیکی بمن ایلا کله بکا
اولدی * اضباره * و سپاره مالی صوریه
گیرخ و * رحله * او بر تخته که جز قورلاکا
ز برو * قتمه * در استون اسره * کنسره * وزیر
پیش و * ضمه * او توری نقطه * نمش پنده شها
سخت کردن دی بکشد رمکه صلب و * تشدید
کسمه در * جزم * و بریدن بویرا نجسا و هنا
بازیجی * نامق و * خطاط * و نویسنده دبیر
نامه * مکتوب * بتی او که ستودن اثنا
محبیه * آمه دویت * کرسف * و کرچه لیمه
نفس * وزا کاب مرکب قره سبز و سودا
زیب * وزینت * حیدر رخنه و کاغد * قرطاس
سان * و عام و سینه یلمدر ایلرو پیش وورا

* چو چغک مکتبه و برکیم بلیجی لردن اوله *

* کودکت ده بد بستان که شود از علما *

* رست خواهند دانش ز فرزندها و هراس *

* طالب العلم من الخوف و الاحزان نجسا *

* شد بدین قطعه معانی حروف پیدا *

ماجد * و مه اولودر طور بجی * قائم * پایا
بوالبشر * پیر سرندیب دیمک آدم اتا
ارکشی مرد * الف * و باقری زن امرأ * تا
اولدی بالست ایله بوبک قز آدی عانس و * تا
جیم * و اشتر دوه در * حاء * قبیله دوده
موی کون کوت قبلی * خا * اوستوره پاکی موسی
عبله و * دال * سمن قاری زن فربه ایش
لالک و * ذال * ایبک دیک و خروس کال شها
بتمه در زستن و * را * پوست دری * زا * عربی
سین * طاع کوه یوجده اولدی رفیع و بالا
شین * و تقاح ایش الما دخی سنب و سبوا
نشنه و * صاد * صوسنر لجه دکر در دریا
ضاد * و بوبک ایبک طار پرید او چدی دیمک
آج اولان * طا * و کر سته ممه پستان و * ظا
عین * و خرشید کنش * غین * بواندر غندر
کف کوپک * فاء * بیون کردن وفاف * اولدی شها
پنشور * کاف * و بسا * لام * قرالتی کالبد
می سچی * میم بالی * نون * ایله ماهی جانا
دوه در اشتر و * واو * ال دیمه در * ها * وستان
لام الف * طسمه دوال ای کی * یا * حرف ندا
حتک اور قتن بوبریمک جلوه نبختر صالنتش
قد * و بالابوی آدی اکسه دیمک هیره قفا

* زهد ایله ای جانم کلنجه سی دانش کسب ایت *

* حصل العلم ایا راحه روحی بتقفا *

* بطنمک پرده کرده صوج ایله شاد اوله *

* لاتکن فی حجب الجهل بنفسی فرحا *

در نوبی سوره صد و چار و ده ست ای شه ما *

پادشه در * ملك * و جبر و جهاندار و کیا
 فاتح * و فاتحه * آچبی کشابنده شها
 مردمان * باس * کشیلر * فلق * و بام صباح
 ویره * اخلاص * آرتیق بطور یلق نابی صفا
 از دی کره شدو * بت * بد و دست ال دیم در
 یآوری کردن و * نصر * اولدی اعانت اما
 کافرون * ایله مغان یعنی کاورلر دیمه در
 انش اود ناروسه غیر و سکن و جمعه صلا
 کوثر * و جوی بهشت او چغفك ارماغیدر
 اب صو سلسل و * ماعون * و معین اجن و ما
 قرش و الفخن و کسب ایله تصغیری * قریش
 دلم و کبیر و * فیل * اولدی اشك کور و فرا
 همزه * قوغجی * منجین و زمان * عصر * و دمان
 غیش کردن دی چوغالتمه * تکاثر * اعفا
 چون قیامت کو نیدر * قارعه * و رستاخیر
 غیو چا غرمغه دیرل زعق و صیح و ندا
 عادیات * و کهران جعی * هر عادیه ان
 دتره مک لرش و * زلال * بلوت ابرو عا
 یننه * روشن * اچق * قدر * و توان قوتدر
 دوستی سوکی * علق * شرم و حجاب اولدی حیا
 طوط و فلندیموق اولدی قصب بزکرباس
 زبوق * و شور و یقه قفتان ادی دراعه قبا
 ۱۱۷ * التي يترك التي يوز اون التيد در آی قران *
 * ایچنین * کرد بافتان سیوطی املا *
 * عند من عد بحیحا کلمات الفرقان *
 * اولدی یمش دی یک درت یوزاوتوز ییدی شها *

یوزاوتوز درت اسماء
 سوره قرآنیه دن
 فاتحه دن سوره
 علقه دن بوقطعه ده
 بیکری عدد قطعات
 ترجمه و بیان اولمشدر

فیل کلمه سی مقام ترکیده
 مستعملدر عربی
 مرد و زننده دلمدر

* این قطعه من یاد کن قرآن بخوان صبح و مسا *

قبوم * و پاینده طوران زنکین * غنی * دولخدا
 اتون پریر و ذهب لطف ایلک بخشش سخا
 انجیره و * تین * اینجیر ایش گفتن ایلق * انشراح
 قوشاق * ضحی * و چاشتگاه ایدین ضیا و روشنا
 معناده * ایل * و شب کیجه * شمس * آفتاب اولدی کنش
 نه فارسی شهر و * بلد * ملک * بخر * و بام اولدی شها
 پوشیده اورتو * غاشیه * ساره سرادق پرده در
 اصلی و برترک یوجه پدش سرا حولی قصا
 زاورس و زاورزهره و * طارق * کبی طک یلدزی
 دزها * بروج * و قلعه لر افلاک کو کار چرخها
 گفتن یارلق * انشفاق * اولدی یاریق شق و شکاف
 صارعی جبیره خستد بندایب اولی دنا حسته رشا
 نطفیف * و کم پیوده نک معناسی نقصان اوچمه در
 چار و * ویز اوچک دیمک اردب و مکیال و منبا
 گفتن یارلق * انفطار * واکردن ابراز اچمه در
 تکویر * و ستر و تطفیه پوشیدن اورتک پیرا
 رویش ترش کردو * عبس * معناسی اکشتدی یوزین
 بی چشم و اعی کور ایش کورلک دخی کوری عما
 اولدی چکبی کیمسه لر یازند کان و * نازعات
 پیغم * نبأ * یعنی خیر و یرمک ایش دادن عطا
 باشد اش همزاد ولده سود آیدر شیر و صریف
 مص * و مکیدن امه درهم و الیه ماد رانا
 ۱۲۰ * اوج یوز بیکری اوج یکمه هم التي یوز طقسان بشه *
 * ایدی حروفات نوی احسب شمردای ای قتا *
 * قرآنی اول جمع ایدن از بر قیلن کتب ایلین *
 * بو بکر صدیق وانی است و علی المرتضی *

سوره والتنبیدن سوره
 نبأ دك بوقطعه ده
 اون سکن قطعه بیان
 اولمشدر

له کتر لام و قبح دال
 معنایه اخردده هالیه
 باشد اش و هم سن
 معناسنه در

* کلام خالقنا بالمریض خیرد وا *

کبیر * وکت او او خوبی کوزلک اولدی بها
 کریم * ویک ابودر اوتان جبل وکها
 فرشتگان ملکر که * مرسلات * اولش
 بمنک غصه اسا * دهر * وکتی و دنیا
 قیامت * آزه یوم النشور رستاخیز
 اذبتک * کونیدر روز رنج و یوم عینا
 اوروبه به صارن جامه پیچ و * مدثر
 اوان وذلک * مزملک * مالی شها
 اجنی کوهه و * جن * صرمشق که عشقه و * نوح
 نهان کز او خنی اولدی اوت نبات و * کبا
 دینلدی دوشمشه * واقع * قتاده افتاده
 قیامتک کونیدر یوم * حاقه * روز جزا
 براعه کلک قلم * نون * دوات خوالسته
 مدین و بنده کوله پادشاه و * ملک * وکبا
 شفور کردن و * تحریم * ایش حرام ایتک
 شهاد و سحت حرام و حلال طلاق و شفا
 طلاق * ایش صالی و یرمک هشدن و هشتن
 حلیل و شوهر ایش ار قری زن و همشی
 بیکد کر بفریفتن * تغابن * آلداشتی
 خریدن ایله تسلیم تناول اخذ و و شرا
 ۱۱
 یداد * و واقعه در جنگ کارزار و نبرد
 قلیح * خشب و حسام و پرنده و رو هینا

۱۲۲ * نظیره کردن قرآن شدند عا جزتر *
 * مشاهیر الشعرا و مصالقی البقا *
 * زمجرات جناب محمد عربی *
 * خطیب منبر عرفان و افسح الفضا *

سوره مرسلات
 سوره تغابن
 بوقطعه ده اون درت
 سوره در

مدثر و مزمل کلمه لری
 نفع ال باندن اسم
 قاعل در اصلاری
 مدثر و مزمل ایدی
 بعد از ادغام مدثر و مزمل
 اولدیلر

* جیع آیه قرآن للصد و رشفه *

مفیت * کو جلو توانا بل اولدی باد و رخا
 ستایم * احد * مدح ایلرم چه برخ و سدا
 منافقون * و دورویان کیم ایکی یوز لولر
 یلان دروغ کبی کذب و زور و فریه شها
 عربیه * جهمه * در آذینه هم صیره رده * صف
 غریو و بانک زدن در چا غرمه عیج و دعا
 رون * ککنده صنایچی اولدی * منمنه
 صنایه وندکی اولدی بورومنی و بلا
 دی جمع قیلغه * حشر * و فراهم آوردن
 سپاه و چند چری سنجاغ اولدی موخ و لوا
 مجادله * علث و جنگ کردن اوغرا شتی
 تکارب و رزم صواش حرب و معرکه هیجا
 دمر * حدید * و سنه جنگ * واقعه * پر خاش
 خصومت ایلله در دشمنی شقاق و شنا
 اسیر کیمی که بخشنده مشفق و * رحن
 مه و * قر * آی و یلدر ستاره * نجم * و سها
 طاغ اولدی * طور * کبی کوه یل که ذاریه باد
 که بادها کبیدر ذاریات جمعی شها
 نشان و آیه و توشمان حفظ و یاد از بر
 که * قاف * و شمع الهی کلام بار خدا
 ۱۲
 پی * و عصب سکر اولدی زهوق بول شرفیج
 قویم * و راست که طوغری قدم ایاقدر پا

۱۵۶ * بدان که بیست سوره در مدینه نازل شد *
 * دوازه است خلاقی جز این بام قری *
 * چل و سه محکم و ناسخ شش است چل منسوخ *
 * شده است ناسخ و منسوخ پنج بیست شها *

بوقطعه ده سوره
 منافقون سوره
 قافه دک اون درت
 سوره در

سوره مدنی بالاتفاق
 بکری سوره و مختلف
 فیها اولان اون ایکی
 سوره در و باقیسی
 مکرر اتقان لایسوطی

* انساب مآدیه الله فکن من ادبا *

طونجی * قابض * وکیرا قرا کوتارود حینا
موم و * مصباح * و چراغ ایدین ایش تاب و سنا
حجره و سوی طرف جعیده سوها * حجات
آچمه در * قبح * و کشادن قپودر ترعه شها
مدح اولان کیمسه ستوده و * محمد * محمود
سون اوکک نسب ومدح ومدیح و اطرا
ریکهای کر و * احقاف * ایش اگری قوملر
کرد توزدر رهج و نفع و غبار و خرشا
جائیه * زن که نشینده بزانون یعنی
دیزی اوزره اوتوران عوزنه دیرلجانا
هم تنون دودو * دخان * زخرف وزرالتون ایش
خانه ربع اودانشق اولدی کناج و * شوری
اولدی واکرده شد و * فصلت * آچق قیلان
یاورنده اینان * مؤمن * وهرف اوکه سنا
چون کروهان و * زمر * جعی بلوک زمره گروه
صاد * و مس یعنی باقردر غرب التون زرسا
بر زمین ارض سروشان ملکر * صافات
آسمان کولک آدی صافوره ویرفع خضرا
آ اولو ادم وای مرد بزرک و * یسن
قال قاموس دیدی گفت چنین بویه کذا
بوه * ایله کوف اوکی طرموق ایله موشک بره سه
سقط * وکک اولدی قنت بایقوش ایش خنج و صدی

۱۸۹ * اهل تفسیر ز اصحاب نبی ده عدد دند *

* چار یارست که بودند بدولت خلفا *

* ابن مسعود و عباس و ابی بن کعب *

* والدین زید بن زید و موسی *

سوره حجاتدن سوره
یسن دک بوقطعه ده
اون درت سوره بیان
اولمدر

مفسر ان اصحاب

* زیب رخساره قرآن بود خوب صدا *

یارادن * فاطر * و یزدان خورش یکی خدا
صالح * و نیک ایولذت ادبدر طعم و خوا
نه بلبس * سبأ * ملاکتی بلبسک
بلوک * احزاب * و کروهان اووه دردشت و فضا
سرنهادن بزمن * سجده * بره باش قویق
بر حکیمک ادی * لقمان * بچشکی اما
بر بلوک ادم ادی * روم * گروهی مردم
عنکبوت * و مننه موله اور بچک دیو پا
هم فسان قصه مثل جعی فسانها و * قصص
نمل * و مور اولدی قرنجه قبه صخر و خارا
شاعره معلق و خندید و سخنسج دیتور
شعرا * جعی طلاقنلو فصیح و شبوا
فرق و * فرقان * وجددا کردن ایش آبرق
تابش ایدلق ایش * نور * و سپیداق زهرا
مؤمنون * مسلم اولنر که یکانه کویان
حج * و قصد ایک آهنگ اوت اری و بلی
دیندی پیغمبر اولان ذاته نبی و دل خالک
انبیا * جعی کلورای کشی * طه * مردا
پارسا صالحه * مریم * مغره * کهف * و نهال
جوش و شبدر کیمه کتمک شب رفتن * اسرا
جای * و مسکن برادیدراری * نحل * و برهوز
قنبل * و برده کوله * حجر * و قوجاق برجانا

۱۸۲ * ان اما مان دوازده که حسین و جعفر *

* دو حسن چار علی و سنه محمد موسی *

* همکی کان علوم اهل حدیث و تفسیر *

* توز چشم فرق ناجیه فخر شرفا *

فاطر هم اسماء الالهیدن
اسماء سور
و هم
قرآینه دندر

سوره فاطر دن سوره
حجره دک بکرمی بر
سوره در

اعمالی عشر

* سور حضرت قرآن تمامست اینجا *

یوجه در شامخ و عالی و * علی * و بالا
 مشتلق مزدکی و بشر و بشارت * بشری
 سوکلی دوست * خلیل * آرایله صاعقه برق
 کولکسی تندرو * رعد * اولدی بلوت ابرو طحا
 منحسر کشی حسر نکش و * یوسف * لم فان
 قارادی * هود * و حرو قاطسه و قم و ناسا
 هف و طریق و سمک جری بالقدر ماهی
 دیدیلر * یونس * ذوالنون کبی شیخدا
 باز کشن زککه * توبه * پشیمان اولق
 صوج کاه و لم اولدی چوق ایمش جم و بسا
 ویرکی بخشش هبله و جا زه و نول و نفل
 که بونک جمیدر * انفال * کبی بخشها
 ریک با آلیوجه قوم صرف که جمی * اعراف
 درت مایاقلو اولان * انعام * و ستوران شها
 سفره در * مائده * شیدان یمک اکل و خوردن
 قاریدر امرأه زن جمی زنان اویله * نسا
 شن دیمک عامر و معمور ایله * عمران * آباد
 جایگاه اولدی وطن منزل و مثنوی ماوی
 بقره * سهر او کوز ترلوه یولدر لهجم
 ۱۵ سوره * و منزله قوتاق بری مهمسا نسرا
 یاد * و ییکانه غریب اولدی اوزاق دور و شطیر
 قاصد * و ساقب و نزدیک بقدر جانا

۱۹۵ * در نپی شده کبی چارده آی السجده *
 * سجده آیتاری قرآنده هب اون درت شها *
 * ان تجسس فتجد کرتو بجوی یابی *
 * نکس الامر بفرمان فروکن سررا *

سوره ابراهیم دن سوره
 بقره به دك بوقطعه ده
 اون اوج سوره واردر
 ۴

ای السجدهات

* اقرأ کتاب الشاطبی و احفظه یا کنزالکما *

و هاب * و بخشنده و یرن اجرت دیمک مزدو کرا
 سید * بزرگ اولدی اولو خالق آفریده * و ورا
 خواندن * قرائت * اوقومق * مصحف نبی * قرآن ایمش
 تجوید * و به کردن ابوابنک آجق مکشوف ووا
 قراء سبعه * هفت پیر اولدی بدی قرا ادی
 کون عین و خور آی بدر و مه جمی * بدور * و ماهها
 راوی * پیکو نقل ایدن * تلمیذ * و مپلاوه شکر کرد
 خواننده * قاری * اوقویان تالاج سس صوت و رنا
 خسران زبان یعنی ضرر اصیلو * نافع * سودمند
 قالون * و نیک اولدی ابو ورش و سپید آق ای فنا
 پور * ابن * اوغول چوق پر * کثیر * اولدی کوله * قبل بلون
 بزی * قماشچی کاله و رآلمق ستادن اشترا
 بدری که بره قری * ابو عمرو * نهاد و طبع و * سوس
 دوری * و یک بر در دیمک تکرری اله اولدی خدا
 آباد و * عامر * شن دیمک رادی جوهر دلکدر * هشام
 بر قوم * ذکوان * دوده سچمک کزیدن اجنبیا
 عامر * نکهبان صاقلین شعبه * و فاخ اولدی بوداق
 زنبیل زنبیر * حفص * ایمش چور چوب که خاشاک و غذا
 براوت یکاهی * حزه * در اولدی پسر اوغول * خلف
 ۱۶ خلاد * و پایا چوق طوران سرمد همیشه دائمیا
 پید * اوله در مردن کبی اوربه م * کسائی * جامه ام
 زار و انین اکلیمی هم * لیث * و شیر ارسلان شها

۲۰۸ * خواهی خزینه دار فی ایزد نوی رایاد کن *
 * فی کل حین یسافتی رتل کلاما منزلا *
 * تالینک ایلر چوننه قرآن شکسته ننی *
 * فرقان نفرین میکندی شبیه بس خواننده را *

قراء سبعه نك بر اسمی
 دخی بدور در ک
 بدور سبعه دیرل
 نافع مدنی ابن کثیر دکی
 ابو عمرو بصری ابن
 عامر شامی عامر و حزه
 و کسائی کوفیلدر
 ۴

* استاد را خدمت بکن در فن تجوید ای قتا *

کلك مجى و آمدن * باقى * هماره داما
ایلمی * رسول * و باخ ایش پیرفتن اویمق افتقا
لا تودل اولشدر * لسان * خلق * و تلو یعنی بوغاز
آغز دیمکدر * تم * دهان دیش * سن * و دندان ای قتا
علیا * ز بر ترک یوجیه * سغلی * فروز ضدیدر
اولک دیش * ثنه * یشک ایش جمعی * ثنایا * یشکها
دل او جیدر نوک زبان * ذولق * دودا قدر لب شفه
پوشیدن * اطباق * اورتمه در قبشدر زمستان و شتا
هم * روم * و جستن ایستک صوصمق ایش سکت و خوش
قوتلمه بویانیدن و * اشمام * جز بشفه سوا
اخفا * نهفتن کز لک واکردن * اظهار * آجمه در
ادغام * و هشتن قویمه در انجام صو کدر انها
سختی و * شدت * قاتیلق نرمی و رخوه * ضدیدر
آواز پنهان * همس * ایش کز لوسس آج بین کشا
مد * و کشیدن چکمه در اکسسته * قصر * و کاستن
طور دورمه پایانیدن و * وقف * اولدی پایان صو کمد
خم کردن اکک تازیسی حتی و * اماله * حفظ ایش
قطع * و بریدن کسمه در ایض قیلیدر روها
ترقیق * اینجلمک تنک کردن * صغیر * آواز سس
دوندومه کردانیدن و * اقلاب * قاتدر کفل ولا
وای * اف اوف باش اغریسی اولدی صداع و درد سر
کار * امر ایشدر اعلاق معناسیدر زوزه بکا

۲۲۱ * موسی ابوالدردا ابی مسعود وزید و چارباز *
* قراء اصحاب کزین این نه ذوات پروفا *
* ما فله فی نظمنا احفظ علی وجه الاصح *
* شش بود حرف ذولقه باجیم و رانون میم وفا *

افاء اصحاب حروف
ذولقه

* قطعه فی الصرف کانت جوهر *

حی * دیری مرد اولدی سس صوت واوا
بر * ایونیک اندکین بالدر جنا
صرف * و تصریف * واواره بعثره
اولدی و رکشتن که دوندرمک شها
کام هم * مقصود * و * مطلوب * و مرام
ساختن یایمق * بنا * و ایننا
آلبدرشش سته یعنی * حرف * خلق
همزه حا و خاوعین و غین و ها
کوده در تن جشه صاغ * سالم * درست
علت * و در داغری ام درمان دوا
کستر ابسط یای دوشک پستر * مثال
پوش تهی * اجوف * مضاعف فائده تا
مخلط شی در هم آمیزه * لفیف
متصل پیوسته * مقرون * ای قتا
اکسک آرتق کم فزون * ناقص * مزید
آیریدر همجور و * مفروق و جدا
ضرب اولمش نسته * هموز * وزده
سنگ طاش قهقار و قهقر و حصا
اولدی کندی مات راح و مرد و رفت
وای بروی و یله یازق اسکا
۱۸ وحد * وحدت یک شدن بر اولمه در
رد * و سپریس اولدی میدان و فضا

۲۲۲ * سوخت مارا آتش عشق ای جوان *
* احرقتنا یافنی نار الهوی *
* کرد عشقم مبتلا در کودکی *
* ابتلا فی الحب فی وقت الصبا *

* وصل الطالب بالبحر وعلوما شتی *

ابد * و دائم و همواره یك اسوی وعرا
 سورچی * سائق * و راننده اوزاق دور و نوا ✕
 نحو * قصد ایلک آهنگ * خبر * نعی و پیام
 اوص خرد * اب * دی آید نلغد فر * ضوه * وضیا
 اسم * و نام آدقراك * حرف * و کران * فعل * ایش کار
 سوز * کلام * و سخن اولش یاره * کلم * و کیکا
 آچمه واکردن * و اعراب * سس آواز و * ندا
 صله * پیوستن اولاشقی نه اوشی آنچه و * ما
 چکه در * جروکشش * نصب * و نشاندن دیکمک
 رفع * قالد رمه فراختن بوجه سامک بالا
 دل * ضمیر * اولدی کوکل * معرفه * دانش یلمک
 مستر * کبی نهان کز او آچی * بارز * ووا
 بوی آنکه * به * بن * انا * من * انت * توسن
 سز شما * اتم * الینا * بزه مارا و بما
 واو * با * نا * دخی * لام * اولدی یمین و سوکند
 درده فی * عن * من * وازدن دخی براوزره * علی
 تاو * حتی * والی * دک وش * کاف * اولدی کبی
 رب * بس چوق دیمک اولدی نه ایچون * کیه * چرا
 مذ * ابله * منذ * وازانگاه اوزماندن دیمه در
 غیر سیدر جزو * حاشا و خلا داخی عدا
 طی ایتمش دوزمه نوردن کبسی جامد و ثوب
 رزم و هیجاء دوکوش لبس دکلد رنه ونا

۲۴۱ * احرف عاطفه ده بود نخستینش واو *
 * ثم حتی بل و قالکن ام اولا اما *
 * مصدر و نافی و زائد شرط اعتقاف نام *
 * صفت و معرفه و نکره و موصوله که ما *

* اعراب

* ضمایر

* حروف جاره

* حروف عاطفه

* معانی ما

* شها علم معانی روح شد دیگر فنون قالب *

ویرن * معطی * دهنده فارسی و آبادیلک مطلب
 او کولشدر ستوده و * محمد * غاش عاشق صب
 معانی * قصد اولانلر خواسته ها کام و مرام ایستک
 هویدا کردن و * تلخیص * شرح ایتمک همه کل هب
 نگار اولدی کاغ و * حاشیه * تیلا * عصام ابیدر
 اوزون نسنه دراز * اطول * بودور آدم غک و هتقب
 مسالک * راهها یوللر ذهاب و سردمه کتمک
 فلا و زل * هوادی * رهنمایان یولره و مشعب
 غرابت * دوری اوزاقلق بالکیز * مفرد * و تنها
 نسا فر * هم رمیدن اورکده قیرآت جرعه واشهب
 آبرمق * فصل و بشمیدن که ضدی * وصل * و پیوستن
 اکلمک * عطف * و پیسودن بریدن کسمک اولش جب
 سوزی چوق سویلمک پرکفتن * اطناب * عکسیدر * ایجاز
 برابرلک * مساوات * و یکونی * صدق * کرچک زب
 طارایتمک تنک کردن * حصر * و قصر * اکسسته کم کردن
 کلوب کتمک * زرد * آمد و شدنی سکر عصلب
 خبر پیغم * حدیث * انشاء * وافریدن براتمقدر
 پیورمق * حکم * و فرمودن دخی و شخیم سوکک سب
 طالب * خواهشدر ایستک دور کردن * ننی * اوزاق ایتمک
 نمنی * آرزو ک کردن در او عمق اسب آت سلهب
 بدید * آسا تلبسه هکبه بستن باغملق * تهالبیق
 درون * و داخل اولدی ایجرو نافه کو بک منقب

۲۴۰ * خدامز صاحب لطفست از خواهش مشو نومید *
 * فان الرب ذو فضل فلا تيسس من المطالب *
 * اوکوت لافردیدن کوش ايله اعراض ایتمه حق سوزدن *
 * حدیث النصیح فاسمع عن کلام الحق لا ترغب *

مسالک علم معانی
 برمتندر هوادی
 شرح ایتمشدر
 مصنف

* قطعه در علم بیانست اصطلاحاتش عجیب *

چون * بیان * شیوا فصاحت در خصم خویش * و قریب
سومه در یاری * علاقه * یار ایش دوست و * حبیب
یولنان * مرسل * فرستاده * بحاز * و راه یول
خود * حقیقت * کندی عاقل کیمسه فرخته لیب
بند کردن * عقد * بویون باغی ایلاک رشته خبط
ایجو در کوهر * فریده * صحرای جستن و تب
خواهش و هموا * عرض * ایستک بلوک قسم * و کرده
لختها * ارکان جزای پای ایش بهر نصب
بکرمک * شبه * و شبه * ماندن دخیروز * وجه * و روی
کاف * و تک تشبیه اداتیدر بک هم زین و تب
برشی بکرمه مانا شدن و * تشبیه * ایش
پروریدن بسلک * ترشح * قول بنده ریب
همسر و شوهر قاری قوجه * قرینه * زوج ایش
قوی و برلش * مطلقه * هسته قوی چاه و قلب
دیندی * ملفوف * و نور دیده دور و لش بسته به
آبری * مفروق * و جدا اولدی قی سخت و صلیب
راست کردن طوغری قلیق * تسویه * تقویم ایش
سویلمک کستن * کایه * الدامق غبن و فریب
زشتن و * تجرید * صومق کرلوردر * مضم * نهان
باغلوردر بسته * مقید * هم قلع تیغ و خشب
ک * دیمکدر کار و از رع اسق صو و بر ابده
جرع و نوشیدن کیم ایچمک سودادی شیر و حلیم
۲۷۲ * دکله بایا نصحنی جانندن اوغول سن عالم اول *
* ای پسر از جان شنو پند پدر را شوادیب *
* یوسف مصر هنر جان عزیزای نور چشم *
* از سوی والد حسینی و ز سوی مادر نسب *

* لغاتنا در رفا کتبوا بماء ذهب *

بدیع * و خیک طولم بالدر انکین و ضرب
رحیم * اسیر کچی مهربان صوسوب و ریب
بری برینه مخالف * تضاد * و چرب و خشک
اجاج آب صواولش یالک زیانه لهب
فرود آمدن * المام و * حل ایش قونق
شمردن * عقد * و حساب اولدی صاف ناب و هذب
مشاکله * و * جناس * اولدی بکرمک ماندن
که بخش کردن و * تقسیم * بولمک ای پر ادب
دو شتمک اولدی * مراعات * و فکر و شولیدن
نظیر * و چون * کچی چسبانترالیق و انسیب
طاغله * نشر * و پراکندن ایجو در کوهر
که دورمه * لف * و نوردن اوزم فرسک و عنب
کرکس آدی برو * صدر * و سرون و * عجز * اوچدر
که * رد * وید * کتودر بهتر ابورک اطیب
دینلدی کزلمکه * توریه * نهان * کردن
شمردن کم و * ایهام * صایمق اکسک هب
نناو * مدح * و ستاضدی * ذم * وید گفتن
لطیفه * هرل * ایله لاغ اولدی سوکه فریه و سب
نجا و نشسته و * سلخ * صومعه در زشتن
ادیم و پوست دریدر دوه شتر ذعلب
بطی * تبدل و هوشاخر و حار اشک
فرو * حضیض اشغی اولدی بولره و خیدب
۲۸۱ * شد این نه از همه زوجات طاهرات رسول *
* بچو شفاعت ایشان یاد کن بادب *
* خر بچه عایشه ام حبیبه و سلمه *
* صقیه سوده و میونه حفصه و زینب *

* هذه میران شعر فاحفظوا فیها اللغات *

یارادن یزدان * مبدی * اووه دردشت وفلات
 اوله شان پیوسته * واصل * غیو جاغرمق ثبات
 سو * عروض اولدی یکا اورمق دیمک ضرب * وزدن
 ابتدا * آغاز اول برکوکس * صدر * ای نیک ذات
 بیت * و خانه اوقیو فنادی * مصرع نیم در
 دازه * ابرال چوره طورمق استادن ثبات
 شرعب و شیمان * طویل * آسا * مدید اوزون دیراز
 بالکرتنها * بسیط * و دختران قزل بنات
 کولک کر زمان و فلکدر رعد و تند و رو * هزج
 هم * رمل * باران یغمور اوت کیه عشب و نبات
 در داشتیم * رجز * یعنی دوه اغریسیدر
 وافر * و کامل * تمام واسپری لاطاق قات
 چون شتاباندر چاپوق عاجل * سریع * و منسرح
 هم سبک بینی * خفیف * اویقوادی خواب و سبات
 دیندی مانده * مضارع * بکزه بیچی نسنه به
 قویمش انکیزیده و * مجتث * فروه کورک وات
 آن سخن کوبی رویه کفته میشد مقتضب
 بالداهد سویلن سوز زندگی صاغلق حیات
 هم تقارب بودن نزدیک بایکدیگری
 کیم یقین اولی بری بیرینه طرف وتوسن آت
 یاک * و مخموم آری زا کاب و مرکبدر مداد
 صطر * باز مقدر نوشتن حقه حوالسته دوات

* کفتم از اب بقا شیرینتر این ایات را *

* قلات احلی هذه الاشیات من ماء الحیات *

* شد ز اوزان رمل این قطعه در فن عروض *

* فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن *

* غلفله انداز شد این قطعه ام در شش جهات *

سیدر صاحب * خدا * قور توله وارستن نجات
 آشکار اچق * مبین * و تیزدن صوصیق صبات
 بادر نکین و * غزل * قسم من الاشعار ایش
 اولدی بضد رمد * قصیده * کاک صو آب و فرات
 خیمه * و پروه چادر اولدی قازق میخ و * وند
 ایب * سبب * تبلا بریدن کسمه * تقطیع * و نبات
 خین * فاصمق جامد دوختن از برای کوتاهی
 وقص * ذیم و ذین و شین و عیب و نیک ای نیک ذات
 دیندی لاغر کردن و * اضمار * آرقلمغه
 طی * د ورمکدر نور دیدن زبون ضامی لکات
 قبض * و مفدر ستادن باغ دیمکدر * عقد * و بند
 عصب * و استن باغلق اولدی دوه اشتر کهات
 کف * هبک الایه سی کتمک دیمک رفتن * زحاف
 خسته لکدر نجه * علت * مردن اولمکدر وفات
 آتمه حذف * انداختن اکسلیمه * قصر * و کاستن
 قطع * و * حذف * کسمک بریدن در قیون فر فیر و شات
 آچمه در * کشف و کشادن * قطف صالقم خوشه در
 باز داشتن * وقف * منع اتمک ییقق نقض و بیات
 هم برون کسمک دیمک بینی بریدن * صل * و * خرم
 چون کسمک اولدی بیریده شدن هم انبلاات
 چاک * و مشقوق اولدی برتنق خلف و بس معناسی آرد
 پیش * و قدام اولک دیمکدر هر طرف سوها جهات

* یک یک نام شهور قبطیان را یاد کن *

* ای مه اوج بهاوی مهر ممد و ح الصفات *

* توت و بابه و هتور و کیهک امشیر و ایب *

* بونه مسری طوبه و برموده بشنس برمهات *

حال و زحافات

تمام مقام ترکبده
 مستعملدر

* لایقست این کهرم گزینو یسد یافوت *

سویچی دوست و * و دود * ارسلان ایمش شیروهرت
چون یاز * ظاهر و پیدا اووه دشت و سبروت
یاد شه شاه ک یازید و امام و سلطان
هم بزرگی اولوق مجد و سیادت جبروت
یوم اثین و دوشنبه بازار یرته سی کونی
فرق و سر باش تراشیده یوانمش مسبوت
استخوان عظم کوك سنك و حجر خندله طاش
معنی خرده شده اولدی اوفانمش مقوت
لحم و گوشت ات ارز و زترو سپید پوست پرچ
قاینادی فار بچوشید قزان دیک و نفوت
سرج ایزین قاشی قبقب و پسکو هده ایمش
آونخیر و حنش ترکی باغی سمط و سموت
جرمل و حرف اوزرلك که سیندین ونوند
قو قودر رایحه بو زیره و کیون سنوت
کشت کندم زرع الخظه بغدادی اکدی
زرع اکین کشت دینور بتمه رسته منبوت
کونید ز رشك و حسد يك کتو قبیح بدتر
خلق خوشیمه اوکولاش بستهوده منعوت
پار ییلیدر حقت و حجه و حول و حطمه
اولادی هنگام کی وقت معین موقوت
حیز * و جای مکان جبهه و پیشانی آن
کشه فرخال که صاحبدر دلی شیدا مهبوت

۱۲۵ * ذاب من نار هوی جشه صب کنضار *

* قد بکا القلب و فی العین دم کا یاقوت *

* کرد آن شوخ مرادردم وصلت مدهوش *

* حین وصلته اودا بر بنی ایتدی مهبوت *

* من هم الناس ولو قافیه وهو خبیث *

یاد شه * وانی * و یاوند یکت مرد و ملیث
بالغ * و یک ایو اولمش کتودر کست و خبیث
معنی * قافیه * وردق * او یوجی پیر و ایمش
هم * روی * ابر بلوت یغمورادی کاچه قعیث
باغاور بسته * مقید * باغ ادی * قید * و بند
مطلقه * قوی و یریلن بسته دمی آهین اثیت
هم تلاویدن و بیرون شدن چیمه * خروج
وصل * و پیوستن اولاشدر معده دی چوق پر اثیت
صه مکوسو یله سیرداس * دخیل * و همراز
یامه * تاسیس * ایله ساختن دخی سرراز و نجیث
صایدز دهم ایله تاه ارتقه دی یش و * مزید
سه یکی اوچده بر اولادی ثلث و ثلث و ثلث
سر کردن که طویرور مق دیمک * اشباع * اهبا
کسمه بیریدن و * حذ * اتمک ادی نان و غلیث
همی و * مجری * سیلان اقه تراویدن ایمش
رس * و چاه اولدی قبواسکی دیمک کهنه ریث
دی قوی قیظه * اقواء * و کباخن کردن
اشتر و نافه * سناد * اوت ادی قافیر و اثیت
وهص و * ایضاء و خکانیدن ایمش باصدد رمق
اکه کر کردن و * اکفا یکیدرتازه حدیث
کبد * و پوت اولدی جکراویکن ادیدر ریه شش
حشل * و بد اولدی کتوقان ادیدر خون و نفیث

۱۲۸ * پیر با مال کرایید حریض و ناکس *

* عدم مل مال الی المال دنی و خبیث *

* هر زمانده بنم ایچون مددای داد رسم *

* یا غیائی لی فی کل اوان تغویث *

* قطعه هایش از حروف باء تا باشد ثلاث *

عدل ایدی دادگر * مقسط * اولوتزد و ملاث
غالب * و چیره یکین چاپوق شتابان و دلاث
ششمک آما سیدن و ربو و خدور و انتفاخ
جیفه اش مردار کرشیدن طاعلق انقراث
عقده و انشوطه اولشدر و وکم غلج و کره
پیخ بوکلم غرو پیچیدن طولاشمق التیبات
نر ذکر ارکک دیمکدر جمعی ذکران و تران
لاس واتی اولدی دیشی جمعی لاسان و اناث
ناشتابی آچلق اولدی اعوه و جوع و سغب
هم صوسزلق تشنه کی بی آبی و غمر و اناهات
اود مراره زهره قور قودن من الخوف ازهراس
قویمه در برکنده بودن انجمعاف و انقعات
ارمغان تحفه هدیه برکذار و سوزبان
هم فرستادن کی کوند رمه بخت و انبعاث
دوشمه در غایتدن و کب و سقوط و اندلاص
قوشمه در تازیدن و هزها دوجز و انتفاث
خشک بودن قوریمق ییس و جعاف و اتباس
اولدی تربودن یاش اولق ابتلال و اتباس
شک بردن عارلق غسیرت و عار و غبار
هم قایرمق اولدی و اخیدن میالان اکثران
کز آدی سو فارو فقوه یای کبان و مطعمه
ناقر * و پرتابه اوق کنندن قوپارمق افشاث

* مان و او یوقدر بزم چون دخی انده یوق متاع *

* مالتا مال و لادار و لاقیها اثاث *

* اعجزتی فرقه قیلدی بی عاجز فراق *

* کن مددای دادرس مارا اغشا یا غیاث *

* هذه القطعة من والد طبی موروث *

هر زمان داتم * و هر دم قتی سخت و کنبوث
صدق * و هول اولدی صحیح ارسلان ایمش شیر و صیوث
زفت ششمان لیغ ابنه دهند و دعبوث
اولدی اتباق و دراره ککدی کشخان دیوث
اولدی جاموس و کاک صو صغیری بزکی معز
یاغلبدر چرب و سمن لاغر ار قدر طرموث
حتره و مغسد و تمصص بمکیدن امک
ضرع و پستان بمد اشترده و در حق و تلوث
شمن و بت طایلان صورت منحوسه دینور
لات و عزا و منات و وثن و زون و یغوث
نسل و شیر سود اولدی ممه ثدی و پستان
طفل ایله کاک چو جقدر طایه مار بره رغوث
بقه و ش سبوری سنک پشه سپش بت حبه
مرکه رشک و صوابه هم بره کیک و برغوث
کاف سرباش یاریغی فاشره و خارصه در
کافتن یارمق ایمش قتی و حشف دمع و فروث
شیر ارسلان غضنفر هسدی و غادی لبث
عنبس و هیصم و زنبهرس و صم و عبوث
درشواز در قپودن ککیر دیمه ادخل من باب
صرح و دزکوشک آبی اوج قات سه تاه و مثلوث

۲۸

کار * و احوال شاشیدر اکه و نایینا کور

کم شد * و قل از اولدی پرایمش چوق حثوث

* یا بنی اجتهد العلم بفقر و صلاح *

* والبس الخرقه فی الدهر وکل من مغلوث *

* علم و عرفان بابا کدن سا که میراث اولز *

* نشود از پدرت دانش و عرفان موروث *

* از بحور نامه شد این قطعه دلجو خلیج *

طشیره در بیرون و خارج اندرون * باطن * ایچ
 خوبتر يك كوچك * احسن * لست دایر در بهیج
 سونلکدر * منطق * و گفتن چاغرفی سلق و بانك
 بانك * تهذیب * و پاکیدن فوقوبوی واریج
 کلک فهمیدن و * ادراك * شك ظن و کان
 حکم بویرلی که فرمان یانمه در سوزش و هیچ
 راست کردن همدخی * تصدیق * ایمش کرچکلک
 فکر و شولیدن * تصور * بدکتن اولدی سمیج
 از تازی داخی * جزئی * شرکائی ممنوع اولان
 ضدیدر * گلی * همادی شاد و مسرور بهیج
 فصل * و بشمیدن آبرمق * جنس * و کونه درلودر
 هم * بعید * و دور اوزاق بر برادی جایی و سیج
 عامه * و جمله همه هر * خاصه در * عکسی انک
 بویریلان * محکوم * و فرموده اچقندر و افریج
 حد * قدم مناسی صولک اولمش اثر * رسم * و نهاد
 نام * تکمیل اسپری لاشی ایله ناجیر هیچ
 ناقص * و کم یعنی اکسک ترس * عکس * و باز کون
 امر ترغوزو * قضیه * مدلل مانند و شریج
 متصل * پیوسته یا ناشمشدر ارغیج لجه بود
 منفصل * و اخیسته ایرمش ارش تار و نسج
 کبر * و جرفاس اولدی قالن اینجه در بارک دقیق
 شعبه * نزدیک درخت نیره قارغیدر و شیج

۲۷۷ * روی یارم آفتابست و فرش خوبی است *

* وجه محبوبی ذکاء نورها حسن بهیج *

* مدروان از مردم آفتد کان خون سیل شاد *

* قدحی من مقام الشاق و کمال بهیج *

تکمیل مقام ترکعبده
مستعملدر

* زبجردل در نایاب کرده ام اخراج *

دی * نور * و روشنی اید نلغه قر آی ماج
 صریم و شب کیمت اولمش شماله موم * سراج
 تزیوه چیسپرو راه و لکاش و ترلوه بول
 صراط و لاجب و دعوب و منهج و منهج
 چراغدان و لکن شمعدان ایمش مشکاة
 عکاب و دودتون اولدی ایس دوده سناج
 یکاق عذار و رخ امادل و فواد کک و کل
 و ذیله کوز کوزر آینه صریحه شبشه زجاج
 عقیقه پرتوه اوق کرپک اولدی هدیه و مره
 روان و مهجده که جاندر هدف نشان آماج
 ولید و کال چو جوق زاچه لوخسه نقشا
 قبول و قابله اولدی ایه قری بازاج
 درونه منصفه باید ز مدقه چک طوفق
 ککرش و ترزه و نداف و پنبه زن حلاج
 ککک و کال خروس عترقان ابویقظان
 که ماکیان طاوق اولدی دجاچه جمعی دجاج
 فبق ککد و ایله دبا خیبارشین قشا
 به و سفرجل و ایوادیل شیریده وقاج
 یلند یوجه شمیم و هدف دخی زانخ
 بهو و خانه در او پایه تودیان معراج
 حبک * و ناکس ایمش جری سافل الحق پست
 فقیر * و عائل و میرز ارق تزار و رجاج

۲۹۰ * خدای من تو توانکر کد است چاکرکت *

* غنی انت الهی عیدک المحتاج *

* نگاه دار ستمبول راز خط و غلا *

* رسولک عقیقه یارب اینه قوللرک آج *

چند سینه اول باصلان
نسخه کرده کال برینه
سروادیک یازلشدر
غفلت اولنجه
۲

* مطلع النظم لكم مطلع صبح ابلج *

یار در دوست و * ولی * دائم و همواره ابلج
 پادشاه شاه و * خلیفه * کوله برده بردج
 ریس و آتش یوریمک نه منی و نمودن طور مق
 طوغریدر هول و سدید اگری کوس و معوج
 رمل قوم ریک یغن ~~کومه~~ و توده اولمش
 دوه جنازه هیون محفه بکابه هودج
 مشک و ~~کاه~~ دینلور مسکه اضیم و فندید
 شاهو عنبرو ابلیم قوقو بوی وارج
 سند و تنبه دایق فخله عصا عکازه
 یفت و پیرو یفتدر قوجه علفوف و غنج
 رقص و عزق اویمه در باخن و فرخیدن
 لعب و بازیمچه اویندر خوره پنجه فترج
 نامد و بزیمچه اوغلق قوزیدر سخله بره
 یآوری حسل بجه کوساله بوزاغو بخزج
 یدیکر هفتدر سبعة سیاره ایمش
 کهکشاند در صمان اوغریسی بحره و شرج
 بویی جع قدس چیماندر شبت و پرپایه
 زهر و لب آغویلان مار و رقاش و عوهم
 ضغن و حقد او بکه دیمک فارسی سی کینه و کین
 غرش و تندیدی که دارلق غضب و حرد و زج
 کوه * و هذلول که طاغ صرب عسیر و دشوار
 تاب * و محشدر اذا طاغ یولیدر غاله و فح

۲۱۲ * فرقة الصب وصال ترح الهجر فرج *
 * الم العشق سرور جرج الحب فرج *
 * باش خشنود بفرمان خدا بتره مکن *
 * تکرینک امرینه راضی اوله کور ایله لج *

برج معرب برده در
 کوله و قول معاشنه
 م

* قطعة كالشمس في افلاك اجاث تلوح *

قالدران بردار و * رافع * هم بلوت ابرو دلوح
 بك بوجه * اعلی * و یا لاترکنش خورشید و بوح
 اوضالوق فرهنگ ادب * آداب ایمش جمعی بونک
 فکر و اندیشه * نظر * خوبی کوزلکدر ملوح
 صورمه در پرسیدن * و پز هیدن * و بحث * و سوال
 کونده لک روزی * و نظیفه * بللور روشن وضوح
 رهنما و رهنمون یول ~~کوس~~ و سترن هادی * دلیل
 بانک و * دعوادر * چاغرمق کتمه در رفتن سیوح
 بوزمه در * تقص * و بهیدن * قدح * و سوختن بانه در
 تیر انداختن اوق اتمق * اعتراض * ای بر فوج
 اولدی خامش کردن و * الحام * ايسم ايلک
 جارس ایتکدر کپاده کردن و * لوم * و فضوح
 باشه قافق سرزنش * تقریع * ایمش * تویمخ * و ش
 صورچی پرسته * سائل * آشنا یوزکج سیوح
 برشی بیلدرمه دانانیدن و * تعریف * ایمش
 پک آچق روشتر * اجلی * بام ایرکن ذا صبح
 کراودر * اخقی * نهانتر کرد کردن * جمع * و حشر
 ویرمک * منع * و ندادن اونکو سرکس جوح
 اقه در شریدن و جزی و * تسلسل * لشعاب
 ۲۲ دور * و کشتن دونه از صواب اندک هم نشوح
 لب * و خالص ناب و وحی و رند پنهان کزاوسوز
 تیو * و طافت قوت اولمشدر نوی قرآن روح

۲۱۶ * کلک ای حق اچمه سندن علم اوی قاپوسنه *
 * باب دارالعلم جئنا منك یا مولی فتوح *
 * جمله اسم انبیا لای نصرف الا که شش *
 * صالح و هود و محمد با شعیب و لوط و نوح *

اصطلاحات علم آداب
 و مضاطر

اسماء انبیادان منصرف
 اولانیر الی عدد در
 م

* چون صبح روز روشن این قطعه کردم ایضاح *

آجیچی واکنده کشف داخی * قشاح
درقاو باب اناختر اولدی مدنک و * مفتاح
رمان انار ایش نارالماسک سبب و قشاح
سافسک ایله دستنبویه شمساه افشاح
روح الامین جبریل اولدی فرشته وحی
زرد و وزرک اولودر باذخ جزیل و جمشاح
کشتی کی سفینه یلکن شرع وافزار
دریاد کز غطه طم بالی نهنک و تمساح
آت صافن و تکاور قوشمق دویدن و غلج
کنک ذهاب و رفقن بول شاهراه و رحراح
احرق فروزیاندر تاروغسق قرانلق
هوشا مکال یاغدر شمع جراح و مصباح
کوکب ستاره یلدز برق و درخشن شمشک
تابنده و درخشان پارلاق دلیص و لملاح
زرر و روقاریه هم کاخول ایش صفر جق
کفتان ملج چکرکه جندب جراد و سرباح
بغدای قح و کندم ارپه شعر وجودر
صبره و جاس بجدریازی اکنجی قلاح
سرنوف و باشق اولدی انماجه باشه پاشا
بوهه ستوجه طوغان زلماء و صفر و لملاح
بال * انکین نسیله کوداب و دیس بکمز
کانه * بین خورنده اولدی صواب و ضحضاح

۴۴۹ * نام حد تکید در های هر مرادست *

* مفتاح باب کل المقصود اسم قشاح *

* مستعملان فعولان مستعملان فعولان *

* معذلو به نائل اولق استرسک ایله الحاح *

* اقرأ لغات نظمی بالمزود الفصح *

بردربک و * احد * طوریدر و پره هم صریح
بهتر ابورک * اجود * و هنر کوزل صبح
نیوک کلن عروس و غری کوزل هزیر
داماد و صهر سکویکی چرکین زوفیح
شریدر و سال اقدی قراهم برکه جمع
صواب سمله حوضه دینور خانی و نصیح
بارید و عز باعدی وزید اسدی هب هم
بغفور کاخه ساحبه یل اولدی باد و ریج
نامور و خون قان اولدی غنیه و ریم اریک
و لانه مندیاره لی مجروح هم جریج
کل ورد و چاوله درجه بسنک سدی ایش
رخ و جنه خد و اجنه یلقاق خوی و زرشیح
جزمه موافقه موزه بابوج قفس و سلوه در
طارتنک و ضنک و ضیق و اینون بول فسیح
قزدن من الخریده و از دخت و از ترک
اوغلان پسر غلام کوزندر کس و ملیح
کوملاک صدار و خیمال و هفاف و پیرهن
برتی هتوولستره و کرباس بز و جیح
بختیه قوین رجاجه صفر جودر و بقر
دیندی کلو بریده بوغاز نمشه ذیح
کید * و خلایه الدامق اولدی فریقن
مشقاء * وزن مائی قری شیر سود صریح

۴۵۰ * یانور انت فی فلك الحسن جونة *

* کل الصباح انظر فی وجهک الصبح *

* مفعول فاعلات مفعول فاعلات *

* معنی السلیس بفهم من لفظه الصریح *

* دوسر خساد شد این مصرع من همچو میخ *

عدل ایدن * داور حکیم * اولو کشی نزد و مدیخ
 مقتفی * بیرو او یو جی قیبه طوغری سخیخ
 حکمت * اولمش عدل و داد اینجو آدی * جوهر * کهر
 غیر ایله قائم * عرض * قاور سجید رمل فضیخ
 صورت و چهره قیلق قان نفس و خون اوص عقل و هوش
 کوده تن * جسم و هیولی * یعنی کوکد راصل و بیخ
 واجب * و بایست لازم * ممکن * اولقی بودنی
 یوق * عدم * نی وار وجود و هست بون نادان فسیخ
 چندو * کم قاج * کیف چون نیجه کما * این قنده در
 کی * متی * قتی زماندر پیمزه طالتسری ملخیخ
 انفعال * و کار پذیرفتن قبول ایتمک ایشی
 ایتمک در کار کردن * فعل * چرکین ز مسیخ
 نسبت * و خویشی خصم لق وضع * و هشتن قومه در
 ملک * اولوند و شکوهی * کبر خود بینی و ذبح
 بانک * اضنه * قورقو حاقوم و کتار یعنی یوزاز
 بردو خواب او یوقو خراتیدر خراخرهم سخیخ
 اون دینلش * مقولات عشر * ده کفقهها
 گوش کن اسمع قولاق اوز سس آدی صوت و شلیخ
 بارد * و سرداصو قدر خست ایله * بایس * قوری
 کوز یا شیدر دم و آبستان چپاق عواره کبخیخ
 جلب * چکمکدر کشیدن جلد ایله پشمه دری
 نیمه * و یخته قیوندرات آدی گوشت و سخیخ

۴۵۵ * ای جوان اندر همه دم مر خدا فریاد رست *
 * یافتی فی کل حین انما المولی صریخ *
 * شمش کی درقان دوکن غمزه کباب جانم *
 * غمزه خوزیز تو بریان جانم را چو سخیخ *

اصطلاحات علم حکمت
 فسیخ قبح فاکسیر
 و مد سبن موهله اخره
 خانه معجمه ایله احق
 و یون آمده دینور *

* دادرخ نامه را قطعه من زیب و فاخ *

منزل و کاشانه او بول دیمه * واسع * فراخ
 طاهر * و پاک آریدر صرخ و فدن کوشک کاخ
 بنضج و پوزد بشیر بحرق و سوزد بنار
 وایمک اولدی غدا پشمه پزش انطبایخ
 بهمه دلاور یکت شاب و جوان کنج ایش
 الب کوشچی عرک قوت و زور و طبایخ
 بنشد و نصیحت او کوت پک ابو اصلح بهین
 اسمع و بشنوا یش کوش قولاقدر صماخ
 دخنمه و ارزن طرو و کوشک ایله بقله فول
 پیذرو خرمن بنوعظم پیا چار شاخ
 ابکم و اخرس کی دلسز اولان ککنک ولال
 اطرش اصم کر صاغر بانک سس اوادی صراخ
 جاه و رکبه قیو منهل و چشمه پکار
 یشررب و نوشد ایچر داخی صواب و نقاخ
 یکذب سویلریلان فارسی کوبد دروغ
 سوء وید اولدی کتوبد کشیدر و خش و ماخ
 بازیمش فاکهه جشله افا جدر تکن
 داله بوداغه دینور غصن و فتن شاخ و فاخ
 قیردیمه کسرت شکن اوردیمه اضرب بزن
 قیره شکستن کی کسر ایله قصف انشداخ
 ۴۶۱ دبل * ایله آفت بلا اولدی سچی راح و مل
 سحت * و حرام و شفو قار قشه فتنه بساخ

۴۶۸ * نابسر کوه عشق آمده ام ازالست *
 * در شب هجر نوشد خواب کهم منکلاخ *
 * اولدی بنم پاشمه پک طراجق بول جهان *
 * باسرم تنکز بود جهان فراخ *

رکبه قبح راء موهله ایله
 ز کبه و زننده جاه
 و قیو معناسنه در

* هر که این قطعه بخواند در اغت باید رسوخ *

پاك و * قدوس * آریدر قدس شریف الیاوهوخ
خور و شمس اولدی کنش ادریس خنجوخ وخنوخ
اوتلامق رعنی وچرانیدن قبون مېش و غنم
اکلب ولاچان کوپکله قوردلر کرکان ذبوخ
اوده فی البیت و بیکد بایست و لازمدر کرک
مروتلخ آبی صوغان عنصل عجم اغزنده سوخ
روز جنک و زرم غوغا کونی یوم المعرکه
نجدت و کندی یکتلاک طورمه پاییدن رسوخ
اولق قنص و شکردن صید و تخجیر آوایمش
حبسه دانه یم طوزاقلر دامها تازی فخنوخ
طوت المدن کیر از دست من امسک من یدی
دوشمه در طوح و قتادن سورچه در ذله شکوخ
اوزامق بالیدن آسا امتداد و اعتمام
سر ویدر عرعر سرون و بختها کوکله شروخ
سج واندودن صوامق طین وکل یعنی چامر
رط و سبلندر چربش یا شمه چفسیدن رتوخ
صاچه در نشر وکلانندن لم وچیدن دیرمه در
صب دوکک ریختن قارشمه شورش خلط و بېخ
کنکره شرفه یدندر قلعه آدی حصن و سور
هم نشانیدن تفسیه دیکمه سنجاق رایه موخ
زل و شافیدن که سرچک اولدی صوچ بعو وگاه
گاست و خرص اولدی بلان خوبسز اولان بدخو طغوخ

۴۸۱ * قدرأینا شادنا فی مفسل وقت الصباح *

* بامداد آهوچه دیدیم مراند رکدوخ *

* فتنه کار و عشوه سارا شوب جان شیرین ادا *

* سیم تن نور مجسم چون پری شوخست شوخ *

* لایق است این قطعه بنویسد بآب زر نهاد *

ظلم جورا یمک ستم کردن نه ضدی * عدل * رداد
هم * نی * و خشور پیغمبر معنی راد و جواد
هبت * و پیکر قلیق روی و محبا یوز دیمک
کوک * سما * و آسمان نور بر آدی ترس و جهاد
پر * ملا * یعنی طولی پوشد در * خلا فرستی نهی
هفت * پوست * ادلاء سبعة * یددی قات کوک ابله یاد
زبرقان * و ماه ایدر شسید ابله * غوره * کنش
قلعه * برج * و سور غوغا ایلک لبر جهاد
جدی * ابله بزغاله اوغلاق قوغه * دلو * استاخ ایش
بای آدی * قوس * و کان چالشمه کوشش اجتهاد
خوت * و ماهییدر بالی قوزی بره بدج و * حل
کر دم و شواله * عقرب * در کینه پند و قراد
نور * و گاو اولدی اوکوز * میران * تراز و طارظیدر
غرم ابله * جوزا * قیوندر قاره اقی سبزی سواد
شیر * امسک ارسلانه دی خرچنک مترطان * ینکجه
سنبله * خوشه بشق بچک ذرودن احتصاب
دم * ذنب * قویرق کرهم * منطقه * یعنی قوشتای
رأس * و سر باش اولدی یصدق آدی بالین و ساد
اوج * و با لایوفر و عکسی * حضیض * آسا فرود
طوب * کره * کوی اورته در مرکز میان قبل اعتماد
حل * چوز مکدر کک شودن صره و کسبه کسه
قدیت * و بختش که ویرکی پای ایش برخ ویدار

۴۹۲ * عرش و کرس و لوح محفوظ و قلم جرخ و بروج *

* ثابت و سیاره خنصر که آب و آتش خاک و باد *

* رعد و برق و ابر و باران برف و بخت صاعقه *

* هاله و قوس قزح از صنعت رب العباد *

اصطلاحات علم هیئت

تفسیر اندر اصل

* سورة الاخلاص بالاخلاص اقرأ یا ولد *

تکری بردی که و خدایک * قل هو الله احد
 آرزو * الله * چاب اولادی بیو کدرکت * صمد
 هم نژاد و * لم یلد * طوغرمدی برکسه بی
 دخترینه قزجه غار قشه پسر او غلان ولد
 طوغرش اولمادی دیمک * لم یولد * وزاده نشد
 آنه سز بی مادر ولا ام هر که ز هیچ ابد
 چون نبود و * لم یکن * اولمادی اورا آ که * له
 کفو و * همتا یعنی اش معناسند بریک * احد
 اولادی دکه کربه دکان چار سو و اچار و سوق
 معنی اخذ و عطا الش و یرش داد و ستد
 قوش اوزومی عجمد و کشنش اوزم هولک زینب
 غروفا جام اولادی خرما لیقیدر پشن مسد
 سجن و زندان در چرش قن و اسیر و دستگیر
 کند طومر قدر هم قلق با غلق بستن صدف
 مشت و جمع الکف بومرق لطمه سبیلی سله در
 رکل و رفسه تده اولادی چفته و کار واکد
 هر نع و قله یت اولادی اسپس و پالوش و ش
 یعقر الطامی پره صحرار دیمک شبکر جهد
 اوز یک آدم فرسخ و فرسنگ آدم خطوه کام
 بول و تیره راه ایمش خوتع فلا و زدر بلد
 حل * و شینم درجه بستان بوستان کارزار ایمش
 شرز * کسمکدر بریدن قاصنی حلیت انکزد

۵۷ * ای یکتا افتاده لر بزمند بوق بری کی
 * یافقی فی مجلس العشاق مامولی احد *
 * غم نه برسن حق تعالی سا که رزق لطف ایدر *
 * آنچه میخوری ترا بار خدای روزی دهد *

* لیکن نظمی فی اذک قرطا کفرید *

بشیر * کافی * و بس حاضر و آماده عتید
 کز اودر غیب و نهان ظاهر و پیدا و * شهید
 اشتری الدی سبتاد آرسید و بهل و زهید
 چوق کثیر و بس ایمش و پردی عطا داد و دهید
 ابن بنت اولادی قز او غلو که نیسه بدسه
 نجل او غول بوخت او غول او غلو نوندول و حقیق
 بعلها مات اری اولادی دیمک شویش مرد
 کالم وارمله طوادر سوریلان رانده طبرید
 مساقیق خفیه نهفتن ک و خلی بو در
 سمع القول سوزی طویدی سخن را بشنید
 حبه و ریش صقال کرمه و رو یوزدر
 چکه اولادی ذقن و کاچه بون کردن و جید
 رائب و ماست بو غورت ابرن ایمش دوع و محض
 سود لیل شیر دینور قائمغه سر شیر و نهید
 امه دادا خلق سیده بانو قادی
 انما دولی و خداوند کوله بنده ولید
 بچی نشکرده و از میل قایش سیر و پرار
 بزدر زینبه عربی مسرد و مسراد و سرید
 اخضر و سبز بشل اولادی کبود ازرق کول
 سیه واقتم و اسود قره آق زهره سپید
 معوج و افقم و الحی کی چفتا اگری
 کث و کبر اولادی قال طوغری سبی دانی سدید

۵۲ * شرف علم و هنر با تو بست ای پسر *
 * فخر اینست ای زمانه بطریقت و تلبند *
 * بزه عینی خستد اینسون شعرانی رومک *
 * انت فی العجم و حیدانا فی العرب لید *

* فظنا من سكر اجلي ومن شهيدانذ *

حکم آیدن * دیان * وداور بالکرتنها و فذ
 بوزیجی * ناسخ * یهنده در بچاق کارد و مقذ
 هندسه * شامان اولو جز کیدر * خند * وکشه
 مستوی * یکسان برابر او یقو اولدی خواب ولد
 معنی دواره و پرکار ایش * بریکار * آدی
 چوره کوردو * دآره * مآمن پناگاه و عوذ
 عمق * و ژرفیدر درینک * عرض * و پهنای نمودر
 طول اوز و نلقد درازی هوختن چکمک جبد
 سطح * بالایو فارودر * قطر * و سویعنی طرف
 شکل * و ماندن بکرمک پک طنلو شیر نیر اند
 کودلر * اجساد * و تنها * زاویه * گوشه بوجاق
 یازمه در * رسم * و نکاشتن عیب ایش شک و شقد
 منحنی * خجکشته * اگر کش کان * وقوس * یای
 زه * وتر * یعنی کرشد راوق آدی تیر و اقد
 قائمه * یکپای اسب اولدی آتک بر آغی
 ساق * و پوره یعنی اینجیکدر دویدن قوشمه جزد
 استوانه و * عمود * استوب درک ضاع * اگر کر
 بعد * و دوری در اوز اقلق بر محل جایی جند
 بر نور دیده * مکعب * طی اولمش نشنه در
 حد * صوت پابان قور تولمش رهانیده نقد

هول * قور قوبیم سرد و قره در یعنی صوق
 تلج * و برف اولدی قارک آدی بریدن کسمک از
 * نیست مارا جزد در حق در جهنان جای پناه *
 * مالنا من غیر باب الله فی الدنیا عوذ *
 * دلبرک قاشی کاند راوق کیدر کر پکی *
 * حاجب المحبوب قوس هدیه مثل الاقد *

اصطلاح علم هندسه
 مآمن مقام تر کیده
 مستعملدر

* هر که این قطعه بخواند بکند استلذاد *

طوغر بدر راست * امین * قوشمه تکیدن جذماذ
 بر کنده قویارن * حاشر * و بشت ارقه حاذ
 کشف و منلجه قارلق قرت و یخ در بوز
 طولی یغور برد سنکچه ارکک و رذاذ
 قوغجی تمام و سختین بلان زور و کروغ
 خزاو کونمک کب و لاف اور یی کبرن ملاذ
 ایریدر صتم و کلان طفل و اشن یومشاقدر
 فخذ و ران او یلوغه دی جمیده رانها افتخاذ
 کند قاجق هرب و نور و شرود و جهاج
 غالب اولمق دیمه بکمار شدن استخواد
 دیندی یاقلشمغه نزدیک شدن ولی و دنو
 دور کردن اوزاق ایتک دیمک ابعاد اشقاذ
 خرت و سوراخ دلیک ثقبه جو قور حفره مفاک
 هم بچور مک گذرانیدن و تنفید انفاذ
 روسنایار و کوی قریه و کفر و راستاق
 شهر مشهور آدی بغداد ایله زورا بغداد
 اولدی بچیدن دستار صاریق صارمق کور
 دخی دستار صاریق سب و عماره مشواذ
 بوسی قرموس و کین خندق و کنده هندک
 هم پناهگاه امین بر عصر و عمل و ملاذ

ماء * صوا و صوسر تشنه و ظمان حران
 نوم * و سیرا وادی صارمق شمر کولدر اخاذ
 * در جهنان دور نشد بهر فتاده بغداد *
 * لبس لامعاشق فی الدهر بعیدا بغداد *
 * جکریم تیغ جفادن یاره لی هم مقطوع *
 * کیدی من قرن الجور جریح و جذاذ *

آب حیات نظم من از شربت شکر لذیذ

رب * و خداوند اسید را بخواب او یقوس من شفیذ
 گوینده * ناطق * سویلین طیلودیم شیرین لذیذ
 باچوب اود ونه بالخطب اولمش دیمك كشته قتل
 شد صار اولدی كوسفند آساقبون آدی وقیذ
 بارك و بارك اینجه در تازیسیذ در دق ورقیق
 سفت و ستر اولدی قالن فسنه آدی ضخم و غلبه
 خری کردن آسا ترمك تنج و تنوح و رشع ایش
 چلیق دیمك عریان ورت قرغین صوكر ماب وحنید
 سرحد و مرز و سرزمین تازیسیذ و تخم و تخوم
 قلم و کشور اولكه دریو برلیدر فرمان نفیذ
 صلب اصمه در آویختن اولدرمك اهلاک و شاه
 صوچلو کهنکار و ائیم طوتساق گرفته هم اخید
 سو مگورمه حلییدن کی نخط و تخم امتحاط
 مخظم کی بنی برون اولدی سموك خلم و تندیذ
 طاحون دکر من آسیا بغدادی کندم بر ایش
 ارداله و طحن اولدی اون قاورلشی پست و جندیذ
 راج و کیت و قهوه و خمر و ریحیق و می سبی
 خرما شرابی باده قاجام تازیسی نبیذ
 طوتحق گرفتن داشتن هم اعتساق و انساك
 قاجق قرار و کند ایش قورنکه در رستن نقیذ
 بام * و و ترسازك تلی اقلق کما نچمه و رباب
 طئن * و طرب آهنگ ایش اولدی سبی باده لذیذ

۵۵ * هم در دل من هجر و کوکوارست بر پشت علیل
 * الهم فی قلبی کما امر علی ظهر الوقیذ
 * مال ربوا کل ایتیم می ایچمکه و ملک یقین
 * لانا کلا مال الربوا لا تقر بوا شرب التیذ

مقدم اصلان نسخه دارد
 بنه واقع اولشدر
 غلطدر سببی پست
 و جندیذ در

* هذه قطعة الاعداد علينا التذكار *

بشمارنده و * محصی * صایحی شغل ایش کار
 چیز و شی نسنه سچلمش بگزیده * مختار
 بر احد * یک ایکی * اثنین و دو صای * احص و شمار
 سه * ثلث * اوج دخی درد * اربعه * و چار و چهار
 اوچده بر ثلث * و سه یک نصف * ایله نیم اولدی یارم
 درنده بر چار یک و * ربع ککنور هات و یار
 خمس * و سته * یه پنج و ششه بش الی دینور
 هفت و * سبعة * یدیدر * کره * و مره * کز بار
 سکره هشت * ثمان * دی طقوزه * تسعه * ونه
 عشر و ده اون صای اونده بری ده یک ده شمار
 یازده و یازده * احدى عشر دو اون بر در
 ائمه * اثنی عشر * اون ایکی دوازده ده قرار
 یازده * خمسة عشر * اون بش اودر ذلک آن
 شانزده * ستة عشر * اولدی اون الی ای یار
 بیست و * عشر وین * یکرمی سی * ثلثون * اوتوز
 اربعون * فرق چهل در صاوش اعبر بگذار
 الییدر پنجه پنجاه ایله * خمسون * خسین
 شصت و * ستون * ایله التمش قوجه پیر و کبار
 اولدی * تسعون * و نود طقسان ایش بوزمانه صد
 پانصد و * خمسمائة * بشیوز و یک * الف * و هزار
 ۵۶ دم * نفس یعنی صواق منقحه دمکاه کورک
 عبث * و یبهده بی فائده یل باد ایار

۵۷۲ * چون محرم کذرد آید از ان شهر صفر
 * پس ربیعین و جادین و رجب را پندار
 * باز شعبان رمضان یامه شوال شریف
 * تیر ذوالقعدة و ذوالحجة شدای ماه عذار *

علم حساب

* اگر چه معنی بیکانه اما لفظ من مشهور *

دوشه بان کسترانده و * باسط * تا * بر تانور
 حتی * دانا بلین پر هیز کار مصملو در مستور
 مال * زوج * و جفت اش یا لکرتنهاو * فرد * اولمش
 نهی و * صفر * و خالی پوش دیمکدر بر طلو مسجور
 نصیب و بهره قسمت * بخش کردن بولد در * تقسیم
 جدا کردن کی * تفریق * ایرمق شاسع او زاق دور
 زدن * ضرب و زمه یارم ایتم نیمه کردن و * و تنصیف
 ایکی قات قیله * تضعیف و دونا کردن زن اضرب اور
 جمع * و هول طوغری قیرمه اولدی کسر و اشکستن
 زده * مضروب و اور لمشد قیرق اشکسته و مکسور
 کم و * ناقص دیمک اکسک * زیاده * بیش ایش ارتق
 اضم * کرد صاغر کوز سزاوان اعمی ضریر و کور
 طوپوق کعب و بزول اولدی یکی * وحدت دیمک برلک
 که * جذر * و یخ کو کدر معدن ادی منجم و قبسور
 احد * یک بر دیمک جچی کلور * احاد * ایله یکها
 دینور دههاو * عشرات او نلره جمله همه حذفور
 مؤن * صدها دیمک یوزلره اران و * الوف بیکلر
 دوکم * عقد * و کره در اور تو او پوشیده و مستور
 کر بسته قوشانمش * منطقی اگری اولدی ضلع و کج
 رف * یازمق نوشتن اکلک فهمیدن و مشهور
 مجیل * و زرد اولودر اقربا خویشان خصم لردر
 عشره دودمان صوی صوب دیمکدر چرق اس و مبذور

۵۸۰ * بتازی است تارنده دهست این بیت از برکن *

* ولی عاطف ششم بود از برای وزن من شد دور *

* بجلی و مصلی و مصلی تالی و مریاح *

* مؤنل ای عطفی و الطیم و الطاف و تاسور *

اصطلاحات علم حساب
 *

* انبت الله نباتا حسنا فی الاقفار *

باز دارند و منع ایدیحی * دافع * ای یار
 ورتو جی * سار * و پوشنده زر التون دینار
 زرع * اکین تاسره آیلپسه اکچی * اکار
 ارض مزرعه * اکیش یزه دیرلر شهکار
 ملک بیختن و * غریله * اون آرد و * دقیق
 پروزن * منخل * الک قاصناغیدر احکم اطار
 مرجک نسک * وعدش ذره * و شوشو طاریدر
 فاشدر مردمک و * حج * بمش * فاکهه * بار
 پاچه * نظیوب * و شطیه * و کراع * و ناره
 سخم * یاغ پیه * عصبیب * ایله لکانه بمبار
 شربه الحلب * و شهدایه دی یال شربینه
 کوز * ایله بچکله باردق طولی * مملو * سرشار
 گوشت نایمخته کی بشممشات * فی * و انیض
 لحس * و لشنین یاله مق بوتمه * تلقم * او بار
 آشچی خوالیکرو * طباح * بملک آش و * طعام
 آش اوی * مطبخ * واش خانه در اود آش و نار
 قوقوبو * عرف * قرنقوله * قرنفل * میخک
 بملک اوزره اکیلن شیشه دی * تابل * اوزار
 مینان * ضیف * قونا قدر کلور آید باقی
 تشنه * عطشان * صوسز آج * شتون * و ناهاار
 ابو * وضع اولدی کنش مغ بلوند در مدرار
 منشرح * و اشده احق قراک و غیب و تار

۵۹۰ * قرقر البطن من الجوع فهات السفره *

* یانک میرد شکم از کرسنکی خوانجه بیار *

* مکرینک نعمته شکر ایدرز دونه دونه *

* تشکر الله علی نعمته بالتکرار *

اسماء اطعمه *

* هر که در عالم قناعت کرد او صاحب کنوز *

يك * متين * واستوار اولدی دو گوش حرب و بروز
اوله شان پیوسته و * موصول * آت لهور و بروز
زبد * و توقایق * مبرت بوالشفا * کند و شکر
قهوه التیدر نهاری * سلفه * کوندز یوم و روز
مائده * تبریز سفره * ملحقه * کچمه قاشق
چور یا شور یا * حسو * و منقه * چو لک تفوز
سیخ و مفید * شش دیمک اولدی * شوا * بریان کباب
قوزی * تمروس * و بره اولدی کیک آهو * ابوز
آسیا * طا حون * دکرمن * قوم * کندی بغداد در
اردو * درمک * اون دیمک بیرون شدن چقمق بروز
لاخسه و جوشهره توغاج آشیدر * قنقر یض
چوق بین بسیار خوار اولدی * اکول و دهد موز
بال شهلالت و * ضرب * حلوا خبیص * افروشه در
حلو * و شیرین طلو اولمشدر سبی یاده * عجوز
مزح و لوز مر * ایچی بادم ادی بادم تلخ
ضبر و جوز و * چار مغز و کردکان و کنگ قوز
ترك * فستق * دیر عرب و ش فارسی چاغوزه در
لب * و مغزایق فندق مفهومی * جاوز * و کلوز
اوج اسانده مشترک * قهوه * تنون دودو * دخان
سومله * پنکان قنجان و رزکن بزداق * کوز
مز * امکدر مکیدن عزف و خوردند درمک
خای * و امضع امر حاصر چینه اغر اغر و قوز

۶۱۱ * شد دوازده ماه رومی يك يك از بر بکن *
* ناشود هر سال تو مسعود شب فیروز روز *
* ماه ایلول و دوشهرین و دوکانون و شباط *
* آزر و نیشان ابار آب و حریزان و تموز *

اسماء اطعمه

ماه رومی

* علم ابدان شد نخست از علم ادیان ای عزیز *

باورنده * مؤمن * ایمان ابدی بی اثر از
اورتوتن * مدثر * و پوششنده داخی ثم نیز
طب * و چاره ام دیمک * ابدان * و تنها کوده
حقله * هنک اغری خیارشنبه * خیارشنبه * بکیر
خسته دریایی * علیل * و ناتوان کوجسز ضعیف
شبهه در * فاروره * بلوازه سدک * بول * و چیز
بلغم * و کش یعنی اخلاطک بری * دم * خون قان
لوو * صفرا * برصاری صو کسکین ازاق داخی نیز
اوج اسانده مشترک * سودا * جگر حواء و پوت
خوی * طبیعت * شنبه و شب و خلق ای عزیز
مسهل * اشکم ران ایمش لبنت و برن کوت است و پند
منده * جعموس * و نجاست شرطه در * خیراق و نیز
لبنت * وزمی دیمک یوم شالیق ام درمان * دوا
قبض * طوتمقدیر گرفتن هم اوزم عیند موز
برکرا * شربه * و یکبار نوشیدن ایمش
یاده در یکماز و * تریاقه * قدح * کاس * و قیر
پنجه و * مطبوخ * پشمش قوصه در * قی * رهراش
یوغر یان * مجنون * سرشته نان ایمش اتمک چیر
سردوزم * بارد * صوقدر * حار * و کرم اولدی صیاق
رطب * و ترپاش قوری خشک و * یابس اوت خامه پرز
ماجد * و بسیار چوق فینا و درما بزده در
تردک * و بقیه ایمش نخسته بی دوک صبت و ریز

۶۱۲ * فاحشه ایله پوشت دیاده مراده ابرمدی *
* درجهان مقصودر انائل نشد جاجاف و هیز *
* لا نغم من مجلس الزهاد لا ترغب زنا *
* بازنا مکررا زبزم یاک دامانان مخیر *

اصطلاحات علم طب

* چون هما مرغ خینالم شده بالا پرواز *

یارادن * خالق * ویزدان اولو سید نهماز
اوکلون * حامد * و بستوده قلیغ وجرار
دیندی سیرغه اکر وارایسه * عنقا * سیرنک
دال قارتالو * توق اولدی طوغان * اجدل * و باز
سرچه * عصفور * وجوانیک وچتوک وکنجشک
یاوری * فرخ * و بچه اوچق * طیران و پرواز
زغن وک و شتر باداژنه چیلق * حدنه
اوردک * اوز * کی مرغاب بط و * خربت * قاز
ایدیک * هدهد * و پوپواوکیدر * وضوع وکوف
حاتم * وزاغ دینور فارغه به حرص و طمع آزار
اولدی یلددز بوجکی کاونه شبتاب و * یراع
یاره سه * خغدرد * و * خفاش * و * سخا * و شبیاز
واسه پروانه * فراشه * یوه * عش * ولانه
هم مکس اولدی سنک * جرجس و عنتر خرباز
دام و * فغ * اولدی طوزاق * حبه * وچینه یمدر
آونجیر و * قنص * آوجی شکاری * قنار
سهم * و تیر اوق آدی * سبطانه * توفک زبطانه
اتار اندازد و برمی بکت * احس * سرباز
وصع * و دار بره دالبره اسه کته در
اوتمه در * صدح و سراییدن و سس * صوت * آواز
مهد * و کهواره بشک قز آدی دخت و عذرا
جندل * و امرد و فلهود و غلام اوغلان تاز

۶۲۷ * آنچه ککتم بشما در لغتم فی بلغز *

* لبس ما قلت لکم فی لغتی بالانغاز *

* اولدی تفصیل ازاجق سوزایله نظم مثلی *

* فصلت فیه نظمی بکلام ایجاز *

* یاد کن قطعه من قطعه الماس شناس *

کز لوپنهان و * خفی * پرده چتو و دیماس
روح * و هس جان آیدر آینه آینه عناس
هره و کرپه کدی موش صچاندر قصما
دب و خرس اولدی ابو قوردادی کرک و ولاس
چوب در دست و عصاقی الید دکنک الده
تاخ اوردی زد و تراغ قیوجی کرپاس
اویوردی نام بخواید و پراض اندک آزار
اولدی مزغنه غنودن سته و غفیه نعاس
سبزی و خضریشک چرش و آب اوتلاق
حظه ککدم کی بقدا یاشیدر سنبله واس
عروه انکوله ایلاک دوکمه آدی جوسک و زر
یاقد در جیب و کریبان کبسی جامه لباس
تکه و شوژه در اوچقور اویدر خزه و چز
طون سراویل شوال اولدی قصب بزکریاس
پورمه تعمیر و کذارش ایودر نیک و تنفس
نوم و خواب او یقوایمش دوش آدی رؤیا پوشاس
سیرف او کورمک ایمش نخجه سعل اح و تخیم
زفر فیدن کی اقسر مق ایمش عطس و عطاس
آردیکه باق به پست بتکر و انظر حلفک
من که کیم چاغران آواز دهندد رجاس
نهد * واسب آت آیدر بین دیمک ارکب بسوار
خیم * و خرگاه اوبه در چول آیدر جل و یلاس

۶۲۸ * تکریدن قورق که سندن حذرا یسنون هرکس *

* ترس از یار خدا کز تو برسد همه ناس *

* اولیایه اوله مز ایکی جهانده غم و خوف *

* اولیا را بد و کیتی نشود خوف و هراس *

* بکر معنی لك في جملة لفظ كعروس *

بر * وحید * ویک ایش قوتلو همایون مرغوس
طوغریدر * قیم * و راست اسکی توان وقدموس
اکلق * فقهه * و شناختن اوغوز ابله کالوس
اوصلو فرزانه و داهی دلی هسار و عسوس
کسیر جهها و لالی * درر * اینجور در
دیندی دریا دکره قلمس وطم و قاموس
آب پیمانه و * سور * اول صوکه لرنوب قالمش
بئر * و چاه اولادی قیو مانده چواز و جاموس
باغلق بستن و بندیدن ایش * عقد * و نکاح
مهر * و کاین در اغراق که کلن دغد و عروس
صائمدر * بیع * و فروختن طوتندر * رهن و کرو
آشتی * صلح * که بار شمه کیم زره ولبوس
دیندی خرسن زلفه دزدیدن و دزدی * شرفقت
ویرکی بخشش * هبه سوکندیمین * حلف و غوس
قورتولان * معتقه * و * معتق * و آزاد شده
عبد * قول بنده یوزی اکشی ترش روی و عسوس
اولدی * قسمت * ویرجی بهره دهنده * قسام
هم خداوند و * ولی * اسی قوجه پیر و قعوس
دیندی اولد زیمکه میراندن و * قتل * و اهلک
مردن اولمک عطب و صاعقه و جور و قسطوس
وهم * یول راه * ریوا * ارتق اولان نشنه فرزون
اخش اسککم و تولار که دایما و قلوبوس

* ماخذم سیر دهست از کتب معتبره *

* سبعة لایجر و مصباح و اساس و قاموس *

* اختری و انقوی فرهنگ و دیشنه برهان *

* لغت الله و سروری قهروری و بایوس *

اصطلاحات فقه

ماخذ لغات
تظم الجواهر

* برتوان قطعه ام از مهر عرطان مقبوس *

وا آقندر * ظاهر آواز نهان حسن کز لوس
الکز تنها * وحید * اولدی در اچا کدر جرس
اویانق بیسار و ساهر شبروان قوللر عسوس
ادزد و عروط اوغری یکجیلر نکهبان جرس
کل و عا ط و حوله بانک خوش ابوس حسن صوت
عندلیب و زیدران بلبل قفص کوفچان قفس
هیرم او طوند در حطب کانون آتشدان اوحاق
سوختن احراق یا بق شعله در تاب و قفس
سخن و گرم اولدی صفاق جام مرخاض و کدوخ
داخی مالشکر تلاك دلاک ضکیر کاخج طفس
سونکر اسقج ابر مرده قلزم دریا دکر
طالغه در آذی و کوهه چث چور خوب خاررخس
بادرتک و چالغ و یکران و چهری آت ایش
هیکل اضریج و حصان عوام و مشکول و فرس
تزع قوپار مقدر انکسیریدن و انکیختن
اولدی جسییدن یا شمن اصق رلق و جس و دس
کوج بتمک و سع و یارستن قولای پون و بیسر
صوب کوج دشوار و آسانی قولایلفه در سلس
خان ایش مهمان سرای و خانچه و فندق رباط
عبر وارقش کاربان و نقشا ایزدر دس
یم * قوز قودر فزع دیمومه و هامون اووه
عنوره * و خوره دره غوته صویه طالمق غمس

* لا تفکر ذات مولینا اله العالمین *

* صنع خلاق جهان را فکر کن در هر نفس *

* تا امید اول دهر دن * مولی یترغیری یوش *

* از جهان نومید شو الله بس باقی هوس *

* پیش از مرگ بجان علم فرائض را کوش *

حاضر آماده مهیا کی ایج اشرب نوش
 بلودانسته و * معلوم * ایشیت اسمع بنوش
 اولدی کاهوک و کاهوکی * تابوت * واران
 طاح * مرد اولدی دیمکدر اولی مرده * منعوش
 جامه مرگ و * کفن * بز که جنازه صناریلور
 حاضرایت * جهیز * و آماده کی البس پوش
 صوی * تسبیل اناصوبی * عصبه * خویش پدر
 رقی * و چاکر قولادی صات دیمه در بع یقروش
 مال مرده اولی مالی * ترکه * و میراث
 مال باقی دیمه پسمانده مال و * خنشوش
 اقریال * الوالارحام * ایله خویشان اولمش
 قاری زن * بهکنه سرسم مخیر مدهوش
 اوغول اناسنه دی * ام واند * مادر پور
 رایه * مادندر اوکی انه صاغر کر اطروش
 صورمه پرسیدن ایله * مسئله * وخص و سوال
 قسمت * و بهره نصیب اولدی قولاق مسمع و کوش
 کیر و کس دارد و * خشی * ذکر و فرجی اولان
 کوج ایش * مشکل * و دشوار صحن فاره و موش
 درته آب شدن * غرق * صویه یاتقی ایش
 یقیمه واکردن و * تخریب * و تخی باهی پوش
 جن * و دیواوادی پری مردم و انسان آدم
 خطف * قایق بر بودن اوصادی نهیه و هوش

٦٨٩ * برسوزی سویلر اسک طوغریجه دی یوخسه موص اول *
 * ککر بکوی سخنی راست بکو ورنه خوش *
 * سخن ماست کزیده چوزر ناسره نیست *
 * قولنا منتخب لبس ککنظر مغشوش *

اصلاحات علم طب

* میکند از بحر نظم کوهر معنی خروش *

اشکنده کسرایدن * قهار * یابس قوری خوش
 پیشرو * سابق * بکندر اجتهد چالش بکوش
 چرب یاغلودر دسیم و شو خکین کیری و سح
 سمن و روغن باغ دهان باغ صان روغن فروش
 پلنه در پالوده فالوذ و سر طراط و سریط
 هم قطایقدر کافه فرخسه بال شهد و نوش
 مست و نشوان یعنی سرخوش غبسه و مجنون دلی
 خند ریس وی سجیدر ایچمه لانتشرب منوش
 تاز باز اوغلانچی لوطی کلب و سک یعنی کوپک
 پوشت و دعبوت و سرایلی بغل قاطر جموش
 خبیه غرشلاقه سخاقت ز بقعی سعهتری
 جالعده بی شرم ادب سزا کزیدر اعوج لبوش
 رجس و چاره بخش آیدر شیخ و شاهه بول ایش
 عبیدر ننگ و یلاله سویله اسکت خوش
 خنس و هر یاسب سیاره کنشدر شمس و مهر
 قز خریده نارور اولدی پسر اوغلان بخوش
 بالرجل بامرداره سخت و شغو اولمش حرام
 پرنیان دیباج اطلس کیمه لانتلس مبوش
 مرطبه و مسریه او تلاق چرا کاه و حرام
 هم چریدن او تلامقیدر ارتعاری و نفوش
 دن * و خنبه کوب چناق آدی زکنده و قصه در
 ربه * و پیه ایچ باغناک معناسی چامر طین ولوش

٢٠٧ * یافنی حصل رضی المعبود فی حسن العمل *
 * هر کسه ایله تواضع اولمه اصلا خود فروش *
 * شد جهان پر کوهه های آب داما چون خطوط *
 * کانت الدنيا علی امواج بحر ککالنفوش *

خوش ضمیر و مد نما
 معجمه ایله نوش و زنده
 قوری معناسند عربی
 یابس در

* وهر این نظم من از صدف دل میباش *

کو جلوتوانا * قدیر * اوله ایدی لبت کاش
بنده و * عبداوردی * قول لاتکن اوله میباش
خویش خصم * عزه * درصوی آدی * قوم و تبار
خال * ابله کا * و طایب ستمه سنباط و قراش
حائق * و بستان ممه سود آدی شیرو * نیم
توأم ایکز همشکم واضح آحق اولدی فاش
حأ * و خسرقاین انا * صهره * خسوقاین انا
افدرو * عم * آموچه هم و کدرد زغاش
راستق آدی راستخت و * و سمه * بزک زین و زیب
هینه و * حنا * قنه رنگ آدی * لون * و کواش
امراً * وزن قری خواهر و همشیره * اخت
قرداش ایش دادر * اخ * هیچ دیمه لاشی لاش
سبط * و نبیره اوغول اوغلو پسر * ابن * اوغول
دختر و * بنت * اولدی قز سلعه پرنده قاش
شوهر و * زوج * ارایش * زوجه * و همسر قاری
ضربه * هو و اینکه در قوصه اتاعه مراش
کوبه کوکاه و * ختن * بیوه و * ایم * که طول
عرس * دوکون سورايش شاد سونمک اشاش
ذلك * آن مرد اوار * تلاك * اوزون اول قاری
زیستن و زندگی اولدی دیرمک معاش
نه * قودیمک ضع کبی پالته تبر فاش ایش
نیشه * کسردر قدوم اولدی حجر سنک طاش

۷۱۵ * ای فر نورده و هر دیده جان و دلم *

* حسرت مرکان تو کرد مراد خراش *

* بار غم عشق تو قامت من کرد خم *

* شد دل من در شب هجر تو مناجب فراش *

اقربایه داروغات

* کتاب اسمه حکک علی صدر منقش الفص *

خبردار و * خیر * آگاه صور مقدر سراغ و نص
صراط * و سنت * ره بول سکرتمکدر دویدن حص
کتاب و * سفر * و نامه هم پرنده اور قلی ماضی
دی زرخه ناله و جوشن توغولغه ترک هم د و مص
برکدرمک بهم آوردن و * اجباع * ابله بتیل
قیاس * اندازه کردن او لجه در کسمک بریدن قص
قلاوزل * ادله * رهنمایان درد چار * اربع
توقف طورمه استادن صوروب امک مکیدن مص
اصول و بینها * کوکلر کانهها و * قسی * یا بلر
بودا قردر * فروع * و شاخها اوق تیرایله معقص
اشارت کردن و * تلویح * و صیغ احواء رمز ایتک
آرتمطلق ایش * تنقیح * و پاکیدن کرج کج حص
کک بایسته و * واجب حرام اولدی شهاد * و سخت
قیح * و بد کتودر دزد دوش خرسر دیمکدر ر شص
کوزل خوب و * حسن * ایمان باور کردن ایتامق
مال * کفر * و پوشش اورتمه در دمل نخود حص
دکشدرمک دیمکدر کوهرانیدن * بی * تبدیل
کیدرمک * نسخ * ازاله کردن و ارزان او جوار خص
مقید * بسته باغلو باشی بوش * مطلق * رهانیده
۵۶ * کپی کیم بوینوزی اگری بزک فاش ابله اعقص
بناج * آواز سک ایت صوتیدر نبج اورمه لاییدن
کذب آسادر و غکودر یلانچی سورمه رانیدن نص

۷۲۷ * کلامی جوهر مستخرج من معدن العرفان *

* بو بر آویزه مرغوبه در طاق قبوله اص *

* پناکاهم در حق شد ز جزاونی رهید نگاه *

* ملاذی کان باب الله مامن غیره مخلص *

اصطلاحات علم اصول
فقه

* احفظوا بحث لغاتی بکمال الاخلاص *

شاه و * مولی * و کیشیر ارسلان قصاص
 کرزن * اکیل * که تاج لامع و تابنده دلاص
 صاحب بسوته شعله صاحب یاغی موبند و عفاص
 شعر قبل موکبی جنبسته چیره مفاص
 ایکده چوبدانه غیرا آج ارثرف زعرور
 قیسی شمس و سرمش ارك آلو اجاص
 رابحه له قوقودر برعم اشکوفه چمیک
 کبه اوت مجعن و بابونه پیادیه قرآص
 دینلور شاعره شعرور و سخنسازکی
 سوز سخن نغیه در و غکوی یلانچی خراص
 بازداشتن کی منع اتمکه تذوید دینور
 دور کردن اوزاق اتمک عریسی انشاص
 کیرمه در در شدن و غوط قبوشو بکه در
 دیندی پریشی چیقارماغه سپوختن افصاص
 یاره مزدنکل اشرسو چلو کنه کار واثوم
 ایب سخیل ورزه بوغغ خفه کردن اغصاص
 زو آبی صولی لیزیده قارشمش مخلوط
 ون و وپره طوری معناسنه در محض و مصاص
 شارماراولدی یلان اخزم واقعی وحنش
 حصف و صداد و حباب اسود وایم و قصاص
 زن * و مرته قازی شرمیدن اوتانق اختات
 ذام * و نك عیب وایسی بچه اولدی و صواص

۷۵۱ * اولادی سرجه دام آغ کیم اوکسولردر *
 * صاد عصفور قوادی شرک و هو عفاص *
 * نیت از دام جدا و ستم اورا رسن *
 * ماله من قفس الفرقة و الجور خلاص *

سویجه فتح شین منجه
 و سکون و اور فتح کافی
 و جبهه مجده اخرد هالیله
 ب و فخره معناسنه در
 فارسی در در

* شعرنا کان معاینه لکم غیر عویص *

صانع * و پیشه و زایشی به ذی کوج تاب و نویص
 سخیدر رادو * منبر * اورتاغه هنیار و شقیص
 یشتری می سند آلور بونی هذا این را
 دلم بیع صاعدی تفروخت اوجوز ارزان و رخیص
 طوقومق بافتن و هله هله بز شرب و خشیف
 دیدیلر کوملکه پیراهن و سربال و قبص
 طوپراغه حاک وژی دی جدت و کور مزار
 یاقمه در بخمه و ستان اولدر مرده جنیص
 فتوه سوفار کز اوق سلطه و مر سال و تموک
 دینلور نمرنه پیکان و چو نصل و خریص
 رقع و آن طمعدر قوجه پیر و عدمول
 شره مند اولدی طمکار اوله نک آدی حریص
 لانیجی کلمه میا طورمه میا لا تثبت
 کت رواذ هب قاجه جق یرکه کریزگاه و محبص
 دوزش و خرزه دیکش بر تماج ایش تفرجه چاک
 دامن وزیل اناک شکله ترزد در دخریص
 مس و توبال باقر قبرس و صیدان و نحاس
 قاب قالا یلامه در ارزیز بسودن ترصیص
 ییقمه در دعره وضعه ویران کردن
 یاقمه سازیدن و ترصیف وینا و تلامیص
 نهج * و ره بول ذیمه در لغمک آدی نقب و سمج
 خندق * و کنده که هندک طار ایش تنک و لخیص

۷۵۱ * در محبوبدن اوز که بزه واری ابور *
 * غیره من باب حبیب النساخیر مفیص *
 * در فراقش مید حضرت دستور عشق *
 * کرده ام حال خود آن شاه جهاز را تلخیص *

و شان فتح و او سکون
 مهمله و فتح و مدنا اخرد
 نون ایله یا تمقدر عربیسی
 نهججه در

* افاض ككل مفيض الهنا القياض *

بعيد * و دور اوزاق اينلو پهن و نجر و عراض
 بليجي * عالم * و دانا بزير التون ناض
 خير حديث * و پيام آمد واتي ككدي
 دي بولره * سنن * و راهها شتر دوه عاض
 پياي و * متواتر * پري بر اردنجه
 پكار چشمه و * منهل فراح بول فضااض
 دي ظاهر اولنه * مشهور * و آشكار و بديد
 به و بهمين ابودر * صالح * آق سفيد و پياض
 قيرق شكسته و مكسور بتون * صحيح * و درست
 ضعيف * و رخته و خسته اوفاتي ريزه رضاض
 كوزل * حسن * كش اشي بوق * عزيز * و پيهما
 زمان * مستند * و هككام اندك از براض
 ديتلدي قالمشه * مرفوع * فارسي خواسته
 كران دي قتلغه ققط و غلا و جذب و نفاض
 فرورونده و * نازل * انجي بولره و نچد
 ديتلدي اورمانه ييشه و غيظه جمعي غياض
 بلند و سامك و * عالي * و شاخ اولدي بوجه
 ديتلدي باغچه به گلزار و روضه جمعي رياض
 سماع * ايشته شتون داياق * سندن * تنبه
 اودون ديشوك و حصب باقه سوختن ارماض
 زناء * و عهرو بقاء و پلبد ككاريدير
 نبيذه * ييج خشونك اوريه يعني جامه فراض
 ۷۶۷ * عن النصيحة لا يرغب الحبيب ابدا *
 * او كوتدن ايلز اصلاصيل اولان اعراض *
 * يفوز من ككتم السر من حايطة *
 * زد و ستان نكند هوشمند استقراض *

اصطلاحات علم حديث

زنا مقام ترك كابه
مستعمل در

* قد ابيع القند للاطفال في مضر القريض *

عست واره * موجود * اقا ز صودر يغار آسافض
 اريجي * فارقي * جدا كن تيرز و چاپوق قبيض
 قوبوچه بود آب شرين عذب طنلو صوديك
 ناودان مسيراب اولوق اتق تراويدن بضبيض
 نكنه در اجانه ناوه تشت ايله مر كن لكن
 يغسل و شويد ديمك بور شته ياقانمش رحيض
 بقلة الحمقا سمز اوت پخل خس كاهو مرول
 خضرت و سبزي يشاك تازه در كنجك غريض
 كوركيدر فراو و تكر فروه و مويينه كورك
 سلعه و كاله فاشدر اينلو پهن اور عربض
 معني شيبا زبان مسلاق و منطبق و فصيح
 كودي كلمه شرك آدي ميوه دل هم قريض
 از خدا دار و دوا من حق نكریدن علاج
 آغري در دوداء و علت خسته رنجور و مريض
 عنده زردش بني نه ككلمه لا تات و ميا
 ميرتد يضرب اورور كينلو كشي كسير بغيض
 بويكا هذا الطرف اين سوي و جنب و زديان
 دونه در حيدود و كرديدن فرم غصه جربض
 بلدر مدر صاعقه از خش فلك كوك آسمان
 برق و بخنوه اولدي شمشك چاقني رخشش و ببيض
 و دن * و تركردن يشارتق ياره جرح و ريش ايمش
 شفت * و قيم اولدي فان آقق ياره دن ات هارا ببيض
 ۷۸۰ * تبغ عشق اولدي دلمه بارليان شمشك كي *
 * في فتاوي كان سيف العشق كالبرق الوبيض *
 * خير خواهر از خدا خواهند كان علم را *
 * استفيض الخير للطلاب من رب مفيض *

فصيح مقام ترك كابه
استعمال اولميشدر

* مالی من قاری غیر دعاء غرض *

مالك * وجم یا شاه اجنه هر یوم و نص
طیب * ویا آید رکام و مراد و غرض
سلعه و ورغاره اور سعه سینه چبان
نخ و شرکدز چک حصبه نوزك مرض
نویه بکا آغلق کوز یا شیدر دمع واشك
قطره چکه طمله در اولدی صواب و بضع
روح کوکل دل طلاق اولدی طحال و سیرز
شش ربه در آق چکر زوده بغرضق ریض
صلب و شدید و قوی زین و غیر پاش پک
دوکه ایش کوفتن سحقی کبی و غم و رض
مترع و تکمار اوق یای آدی تنبک ز جوم
باقه نکه و نظر پوطه تفک هم غرض
ایچرو داخل درون عکسیده خارج برون
وحصه وزم در صوق کرم صیقا قدر رمض
یا کل بر می خورد بهر و برزد و کمر
دوچه افاجدر بکن قورد آدی بدره ارض
تاوک و کسوم اشک هم بغل استرقار
مهره دینور یونجه عطفه و حرج و خضع
صیت و صدا و ندا صوت سس آواز ایش
اولدی برنک و چرس چاک دوه اشتر حفص
نای * نقشدر قصب ارمغه دی نهر ورود
منجر * آقن روان کول شمر و مر نکض

* صافله بزم تکریمز کوده مزی درد دن * ۷۹۲

* احفظ ایارینا جنتا من مرض *

* مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن *

* نیست بذات خودم عشق و محبت غرض *

مهر قلم و سکون
اختره راه مهمله دوکت
صوب معناسنه

* باب ار باب تصوف لی منوی و منط *

قورتران * منجی * رهانیده یکت مرد عطا ط
کاخه بغور * منیب * ورده وصف و سماء
شیخ * و پیراودی قوجه عائل و * درویش فقیر
تکبه در * خاتمه * و زاویه دل * قلب نبات
یلجی * عارف * و داننده * سوا * جز بشقه
قلاوز * مرشد * و رهبر دوه اشتر مشیاط
فقرا کیدیکی * شی * خرقه * و کول و ماشا
صویمه در زشتن و تجرید * دوشک پوب و بساط
جادو * پوست اولدی دری چوب و عصی درد کینک
بولجیدر رهرو * سالک * یول آدی راه و زراط
اویانقلق * یقطه * و سهر * و بنداری
بام طک * صبح * و صباح * و سحر * و فجر و غطاط
کزلودر * سر * و نهان کشف * و کشادن اچق
کشش * و جذبه * دینور چکمه یان نزد و ملاط
دیکلمکدر شنویدن اذن و * سمع * و * سماع
عزن و بانک زدن یعنی چاغرمق ارطاط
هوشیاری کبی * صحو * اولدی آیلق ضدی
سکری مستی دی سونمکله که شادی و نشاط
یایمه کسزدن و * بسط * اله ستادن کبی * قبض
دیندی کوجان او اسبابنه ماعون و رهاط
سب * و شتم ایله دشنام توکورمک نف و تفل
رخو * یومشق دیمه در نرم سومک خلب و مخاط

* کسه لی رشته امیددی اود رزی بجه دن * ۸۰۶

* کسان لی ثوب هوا ضیق من سم خیاط *

* بهره غاش بکیتست جفا و آشوب *

* فسمه العاشق فی الدهر بلاء و هیاط *

اصطلاحات علم تصوف
مهر

* هذه القطعة في نهج كتابي صك لقيط *

تک ایش * وتر * ویکانه بویه در رنگ و لبط
پند کو * واعظ * اوکوت ویریچی فان خون و عیبط
عید و بیرام چرش زله و سوراودی دوکون
مشتولق مژده بشارت سوین شاد و نشیبط
هوش اوص نهیه خردمند وزکی عاقلدر
هار و مسعود دلی احق اولان کول و رطیبط
آخر آکنده مصاصه فرس و شبذیز آن
قلو اشک خرسی آواز دراز کوش و نخبیط
نوجبه سبیل چراف ایله خفاف و دفاع
صاف و ناب آری بولانق صوایش تاز و مسبط
جوجن و جوجه در قرمزی کل داخی سرشک
یاسمن سمنق و سخلات چه شخکاسه سقبط
پولیچده سقجه و سفته ورق ایله سره
صبر فی ککهد و صراف سخی راد و سقبط
حجر و آغوش قوچاق سینه و حیرنوم کک و کس
در میان کردن ایش اوزته ده قلیق توسیط
ینلور خورده شود یوکل نان خیر اتمک
دیندی زیتون باغنه رغن زیتون و سلیط
فحان و کف مل یعنی شرابک کک و پوکی
دردی طور طیسیدر قلده صهبای و سبط
اسب * و طرف آن کنشه جاریه و شید دینور
خنخوه * و چاشت که قوشلق بیل آدی سال و قیط

۸۱۹ * دلی اغزی حفظ ایله پاکستن حق *

* عصم الله لسانی و فی من تغلیط *

* فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن *

* لفظ این نظم لطیف کهر بحر محیط *

نوجبه قلیق خون و سکون
واو و جیم و به عربیه
اخرده ها ایله سبیل
مغناسته کیم عربیه
چراف و خفاف و دفاع در

* قطعة قد صنعت لا تقرؤها بالفاظ *

دهر * و هنکام و زمان اولمش میان اوزته وسط
عدل ایدن دادار * عادل * عدل ایش دادو وسط
اوصلولق فرزانی هوشی خردمندی ارب
اوصلو فرزانه دهی کوسج تنک ریش و لبط
آدم اوغلونده بمردم زاده فی الانسان ایش
فرمش اونوتمه امه یا کلمه هفتوت و غلط
لاتکن اوله مشودارغین دژاگاه و غضوب
شنشینه خویدر منش طارلق آرغیدن سخط
رفت شا کر بیه اولاق ککندی دیمک راج البرید
بریا مند ککدی لم یأت بول راه و نمشط
مأده و طریان سفره جنبین و خون دست
متملی و پرشده طولمش دیمک قازغاز و بط
صاید یلر عدا و شمارید ندر التون زر نضار
ارتق اکسک سز دیمکدر بی کم ویش و شطط
یوک چکندر بارکش حال یوکدر حل و بار
ارقه ده فی الظاهر و در پشت و سپد تریان سبط
مشط و مشقادر طراق شانه سفاهن فارسی
چوزمه در حل و کشودن صاج ایش کا کل سبط
ضفر و تنبیسیدن اورمک بوکه عیسل و تافتن
صاج فورجق اوله در تاپیدن کبسو ققطط
دین * بورج آوام دلسز بی زبان ابکم کبی
ضائل * و لاغر آریق دبشسز اولان بی کار الط

۸۲۲ * مر بزرگی جوان اندر کوال دانشست *

* انما عز الفی فی ککسب عرفان فقط *

* جرم عینی فی بحار اللطف کالحث الدنی *

* یا الهی منك ار جور حة لالی ققط *

ازط قلیق همنه و ثاء
مثلشه ایله ککوسه
و کوسج مغناسته کیم
فارسی تنک ریش در

* لك من بحر فؤادی درر اللفظ لفظ *

صاقلین * حافظ * وعاءه نکه دار * و حفیظ
اندرز سفر و کتاب او که ستون دن تقریظ
نیزه ورمج آدی مزارا قدر اوزون طوط و دراز
خشت ایش نیزك وشل هم قصه کوتاه و عکیز
دائیان و ملوان در کجه کوندز شب و روز
تلو و خواندن او قومی لازم و بایست و لفظ
ایله که پوسه و سالک اورغانه دی قلس و مرار
ستخت و نارین دیمه در اینجه یوغون سفت و غلیظ
باغچه فالیز و خضیه چه ندا و شبنم
بور و بشکونه چیک صاقسی سفال اولدی شقیظ
فرهی اولدی سمرلك اسن و بدم و عسن
هم سمر فخرز و لمتر کی زهلوق و بظیظ
اولدی آماس و ورم شش قوقونتن و ککند
لاشه در جیفه و مردار اولد در مرده جفیظ
آمد و آید هم ککادی ککاور جاء یچی
کیرایله ککندی کیدر رفت و رود جانط یچیند
پادشاهك قیوسیدر کک و باب السلطان
چاوشنه دیندی یسا اول ایله سرهنك و دایند
یک آزاد کتراقل طوغریسیدر صادق و راست
قین قول برده و اتباع و وشاقان و وشیند
هس * و کوییدن ایش دوکه یمک خوردن و اکل
هضم * و الرش که سکر مک کی مانند و لحیظ

۸۱۵ * انحق الله ایش- یدچی بیلچی صاقلچی *

* انما الرب سمیع و علیم و حفیظ *

* انت فی منزلة الوصل بشیش و هشیش *

* انانی بادیة البحر حزین و ککظیف *

* لا یقارب عندنا من ماله فی الشعر حظ *

یارادن * منشی * و یزدان در خنک یختلو احظ
یاور و * ناصر * معین یاردیچی وایه پای و حظ
برغمان ثعبان ییلاندر کال اورنجک عنکبوت
صوقه در اسع و کزیدن اولدی ام درمان حفظ
فیلم و شان طراق حلاق بر سر تراش
ریش و لحیه عنقه صقال قالن استبر و جظ
خانه ها اولر بیوت ابواب و درها قاپور
درشوید وادخلوا کیرك شتاب ایومك تکظ
کشتن اولدرمك اماته اصمه صلب آویختن
اص و دزد اوغری کتو آدم دیمک بد خوی و فظ
غوک و صفدع قور بغه جریت ماهی در بالی
غمرود امادر د ککزاران یغمر و اولدی لظ
ایوه درابی سفرجل کیم بدم خوردم ا ککات
حصه و سر یخش قسمتدر انار و نار مظ
طام سقف و اشمانه ککوه روزن پنجه
صرجه میتا و اسر بایست و اجیدر مظ
شاه و ضآن اولدی قویون فرقی و مپش و کوسپند
قورد ادیدر کک و عس منع کردن قومه دظ
جیچک و اسبست یونجه چند قوق و فصفه
کاک بیان احر یص اصفرتزه پر خند و قرظ
وین * اوزوم انکور اویره قرقف و صهاب شراب
نضح و بشخیدن صوصا چق طاسه اندوه و غنظ

۸۵۸ * صاقلک ای طالبان سرچوق یمکدن او یقودن *

* احذر و یا ایها الطلاب من نوم و ککظ *

* در بر صاحب معارف نیسب خواری جهل و ش *

* عند ذی فضلی و علم لبس ذلا کالکظ *

نیزه ذری در اینست
ایند ککری سنان
بیراغبیدر

* لبس من اشعارنا حظا لاشخاص غلاظ *

فرد * وتنها يانکز اولدی د وکوش جنک و نماظ
حق * و داد و عدل غوغا اینه جنکیدن نکاظ
بزه در فینا و در مایوق دیمکدر ما و نبست
دشمنی دشمنک اولدی مژه و مفت و کفناظ
اولدی بیماری و رنجبه خسته لک سقم و ضنی
مردن اولمکدر عریجه تعس و اعصاف و فواظ
قوفلق بوییدن و نجو و شمیم و استیاف
طامه مسریدن چشیدن تازیسی ذوق و لماظ
در درون فی الجوف ایچده و آتش ژغل
یانمه و رک کردن جوی یالک زبانه و شواظ
دزد خرسز اس و خارب شص و طل و خج ایش
هم عربده اولدی بر اوغری آدی دزدی شظناظ
بنکرد بنظر باقر باقی نکا هیدن شفون
طرف و دیده کوز اوجیدر گوشه چشم و لحاظ
دان ییل اعرف صافلق اولدی نکه برداشتن
وعی و کمی و احتیاس و اکنلاء و احتفناظ
ببصر و بیند کورر هم رای و دیدن کورمه در
بین کور ابصر کوز قباغی بام چشم اولدی بحاظ
اووه در اسلبس و یما فارسی هامون و دشت
معنی بالای کوه اعلا بری طانغک شظناظ
سهب * و عوام و خصان و ساج آندراسب و ش
ضاع * کشد ضایع اولدی شی دیمک چیز و لماظ

* آهوی کیم کردبار من کرشمه هوش من *

* طبیعه قد ضیعت عقلی بایماء اللماظ *

* بشنوید این بند مارا دکله یک بونجه *

* انما عز الفتی فی حسن خلق و اتعاط *

ور کردن قبح و اوایل
بایمق معناسنه کیم
عربی جوی در هوا
وزنده

* قاش النظم من دیاج نثر فی البها انفع *

جلیل * اولو کلان یک یوجه در بالا تر و ارفع
کولن * ضحاک * و خندنده بهادر شیر مرد اشجع
کونشدر شید و غوره طوغد بیغی بر خاور و مطلع
شعاع و پرتو آیدین کولکه اولمش سایه و شمع
هجاج و رأس و سر باش اولدی کل کیمسه چسنگ افرع
صاچی چوق آدم آدی مردانیه موی هم افرع
سیه ادهم قرادر صاری زرد و فاقع و ناصع
ببردر فلفل و ناغشت صفران کرسیم و ایدع
کوراعور خشت اعرس دلسر اولمش بی زبان و کمت
چولاق چنک اجزم آدیدر طوپال لک اعرج و هجرع
بهادره فشم و هیذام هم صکند آورو و آرخد
شتر دل بی جکر قورقاق جبان و هیرع و کعکع
قبص و بیرهن کوهلک بز اولدی اهلهمه کر باس
قدید و کهنه اسکیدر پچاوره کابک و مبدع
طومن عفر و کزار آبودیمکدر قاره و کهنی
ثعال و روس داکو هم چنادر راهر و وعوع
صکیکدر شادن و آهو صغن کاوزن هم یامور
جبل طاغ کوه طاوشان یاوریسی لاغونجه خوتع
کفيله دیند بایبران وضامن دین و تاوان بورج
یمین سوکند آند اولمش کوه و شاهد و منیع
زکام * ارض و خشام اولدی اولدرام قشم مرک
خرافج * زندگی دیرلک فراختر یک ککش اوسع

* خدایه قوللق ایت اولدرمین رزقه قناعت قیل *

* بمعبود الا نام اعبد بقوت لایمیت افع *

* مرو با مجلس باده توساز لایه رامشرو *

* بنادی الراح لاتذهب باب الله ولا تسمع *

زکام مقام ترک کینه
مستعملدر عربی
ارض و فارسی
خشامدر

* ان هذا الدر في بحر كثير الارتفاع *

کرد کارو * مستعان * تگری بکت مرد و شجاع
صاحبی پاشنده * ناشر * آکه کشتن از دراع
یوتنه و اریدن تواریدن ترقم ابتلا ع
رژده او پور سرواط قوم مقدر هراشیدن هواع
باهه ونوفل د کز در آنخوست آطه بضیع
هم سرن تیرو قریه بلیکن اوزار و شرع
آغری در غفری وجع هم غلقی مخن و غرنک
درد سرباش اغریسی غول و شقه بفسه و صداع
احتضان قوچق نجالدین قوچاق حجر و کار
لثم و بوسی او پمه در پدر و داسلشمک و داع
بوله و قصابه امزك سكوز باز دق تنك ایش
شیر سود ضیع آتی ایچمک شیر خوردن ارتضاع
ربما و قلما از کمره اندک بار ایش
ود سومک مهر و اخوردن قایرمق ارتفاع
کنکران چاودر علس هم دخن ارزن طاریدر
کیل هم یازیدن اولچمکدر کویز اولچک صواع
ارکک ارسلان شیر تر ضمضم کلد قیلان پلنک
پارس ایش پوز و شکمه برنجیدر دد سباع
سن و دندان دیش آدی پستان وشی اولدی مه
شکم اصمره مقدر کزیدن امه مسریدن رضاع
طس * و پنکان طاس آدیدر نبسی دیسق تشخوان
ضیفوا * مهمان کنید ابلاک قوناق بر ترس وقاع

۷۹۸ * مر شنیدیم ازد و هر رازی گذشته فاش شد *

* قد سمعنا کل سر جا وز الاثنین شاع *

* رازهای عشق را با کس مگو خاموش شو *

* قال صب عارف للارض اذن واستماع *

* من اتی معراج اشعاری له قدر رفیع *

کوک سما و آسمان خلق ایلین یزدان * بدیع
مر و فرمان یرلیغ و منقصاد و فرمانبر * مطیع
حفر و کندن یعنی قازمق قازمه صاقور و ترشت
تلف و کنبیدن صوچکمک قوییدر چاه و نقیم
چون بریدن کسمه قضب و جذب و جزل و پتک و جز
دید یار کسکین بچاغه د شسته تیزو و قیع
ات آدی لثم و خوا عظم استخوان یعنی کوک
نرم یوم مقدر سخام اولدی قتی سخت و وکیع
کشتن و نسیار کزیمک بدتر اقیح پک کتو
اینله اصنع کار ککن چاپوق شتابان و زهبع
مقطره و ککنده طومر قدر ایاق یا حامله
سلسله زنجور زنجیر و پیون کک کردن تابع
از تکن من نخل اغاجدن جنی و چیدن دبره در
غارسی شایه بمشدر نوعه و خرفه بنبع
بهجت و خوبی کوزلک قیج و زشتی ضدیدر
روح و وشت اولدی کوزلشی زشت چرکندر شنبع
صوچلودر مجرم کنهکار اور دیمک اضرب بزن
نازیانه قامچی اولدی سوط و عرفاص و صریع
کوسپند و نجه قوین حیرم وجودر صغر
سیله و ککوباره در یعنی سوری سربه قطیع
عام * ییل سال و مسن و ساخورده یا شلودر
شیخ * و بر اولدی قوجه یوکسک دیمکدر بر رفیع

۹۱ * رو گلستان را بهنکام بهمار ای پور من *

* یا بنی اذهب الی البستان فی فصل الربیع *

* با خصوص آن بغیچه مرغ سرادر نخلهاش *

* سمیا حش و فی اسجساره طبر سجع *

* بحصل الفيض بانسدادك في نظم بليغ *

كت * عظيم * اولو ديمك آت آيد در باره فریغ
 سوکلی دوست و * خلیل * اولادی حسن کوچک سیغ
 خسته اولدی سته شد داغ یازق حیف و دریغ
 همیع و مرک اولوم دیرلک ایمش زی و رفیع
 کرم و رز باغ تیکی کج قور و قدر کنشو
 اوزم انکور و غناب صالقمی عنقود و سریغ
 ارقم و ماریلان اسدغ و کزیدن صوفیق
 دی عد و دشمنه کاشخ دخی کین حشنه و ریغ
 نصع و ایلا دوتاج اولدی طوغورمق زستن
 انامام ام یکی طوغوش آدی نوزاده صدیغ
 کارد و سکیکن بچاق تبر و ذاق کسکیندر
 قین جلبار و نیاب اولدی قلیج مهزم و تیغ
 دلیلاک شیفنکی جنسه و بجنون دلی هار
 سرسم آدملاک و ککانا دخی هجهاج وردیغ
 عابه و یشه در اوزمان اووه دشت و فیفا
 صخره خارقیه در طایغ تپه سی شاهق و تیغ
 زوبعه دوله قاصرنغه بلوت ابرو عارض
 چه ندازله دومان اولدی ضبابه دخی میغ
 قورقودر زاد و ترأز و فزع ویم و هراس
 ۷۱ * سب و هجهاج و هرب قاچغه دی کند و کریغ
 کان * و منجم آدی معدن دمر آهن هیرب
 آبخنک * و اسر و شیشه در ای مرد بلیغ

۹۲۲ * کرد آن چشم سیه صبر و قرارم یغما *

* زد بچسان و دلم آن غمزه خون خوارم تیغ *

* کندی مقصوده بن ایرمدم ایوا ایوا *

* نشدم نائل کام خودم افسوس و دریغ *

* هر که این قطعه کند یاد شود صاحب توغ *

تکری * ال * ایزد و کون طوغمه سیدر شفته بزوغ
 مه * قر * آی دیمک ایدنلق ایمش فخت و فروغ
 شیر سود در حلب و در ویشه و غمیم
 صاعقه دوشیدن و تیشیم مخیض آرن دوع
 غاوشنک اولدی مسس سلب صبان سکه غبار
 ثور اوکوز غاویوند ورق آدی نیر ایله یوغ
 بعث کوند رمه فرستادن و من کس کیمسه
 نامه رقعہ بتی آخیدن ایشم کده بلوغ
 صویولی ناصفه و سبب و عقیق و صک هریر
 عرم و سکر صوبندی دخی بشد ابایله چوغ
 رنک کردن بویاتی صیغ و ش اغما زام عار
 مشق و تاوه آشی رنگین بویا لیسدر مصبوغ
 اینچقرق هککه فواق اسیمه قار و ثواب
 اوکسورک جشتر و سرف فش ککر مک آروغ
 طلق اوزن پولی ارسون بچی زینت پابون
 مهره بونجوق خرزه مهره ملک صقل و کروغ
 آلی کلس آهک و لاقونه اوسک و ندر سارو
 تین و کاه اولدی صمان آدی چاسر حر و کروغ
 اولدی خسپیدن و ناویدن و خوابی او یوق
 ۷۲ نوم و ش فخره و قیلوله و نهجساع و هیوغ
 عبت * شمس اولدی کنش آیدنی ناب خورشید
 ظلهها * سایه اوسک و لکسی فر بهر و فروغ

۹۲۶ * گزدم زاف که بااوست کزیده دل من *

* عقرب الصدغ بهر اقلب ککشی ملد و غ *

* سز حرامی بیک دایخی بلان سو بلیک *

* کم نخورید شفو نیز مگوید دروغ *

* خواند این قطعه من بلبل خوشکودر باغ *

قبلیجی * جاعل * و سازنده زمان حین ایله چاغ
کش * وجیه * اولدی کوزل بینی به دی مغز و دماغ
یوتمه در بلع و فرو بردن و آتش و طعام
چینمک خایش و مضغ اولدی کویش جرعه و کاغ
لبنه و خشت آدی کریج قره پالچق هش و حال
پخته خشت آجر و توغله کرم طوب و ساغ
امب و بازیدر او بون اوینا بنار و العب
خریط و مسخره قشمر خوره طه هزل و لاغ
اون دقیق آرد نفیته بولاج در اکتار
لاکشه توتماج ایمش لاخسه خلشک سرداغ
قصه خوان افتد و مداح مثل خطه فسان
دی یلانچی به در و غکوی و مزور صواغ
فضه و سیم کش زر ذهب و تبر التون
هم قیوچینک ادی زرکر و صایغ صواغ
اوقویان مفری و خواننده دویت آمه و نون
لامق و راقم و زار یازیجی اولدی پناغ
جلع و جالع ادب سزدخی ناداشت و کلوک
چوپ ایله منسه دکنک زدن اورمق افشاغ
طالمه ناعوش و غلبیدن دخی نفس و تلجیج
قره باتق قوشی غطاسه و غماسه و ماغ
عج * چاغرمه غریبیدن و بانکیدن ایمش
حماظ * اسافشرنده صبقان اوت خضل و کباغ

۹۴۹ * ایها العاشق هل تعرف من حیثتی *

* ساحر قد قن الدهر بزاف و صداع *

* ایکی دنیا هنری ترک ایله اولور سا که *

* میشود معرفت هر دو جهانت بفراغ *

* حصول علم لغات بسفرنا موقوف *

کلان * کبیر * اولو قورقونج سمنک و تخوف
سخی * جواد * و جوانمرد چیز نسته ده فوف
فسلدی بیج بیج و همس و بقول و گوید دیر
چرانچیور لم قور قاق شتر دل ویه فوف
اوپچار بطیر و پرد قری ساق و مانورک
قنت جناح و پرا تماچه و اشه و سرنوف
فسیح و واسع بولدر فراخ ایله انبون
شکفت و کارو نهال و مغاره در منجوف
جلجل و خراشک فیل پیل و شمشل ایمش
شتر دوه غناله و هراهن و در نوف
صوآف و ما صو اینیدر قضاغه پیدستر
کلا و قور بغه در هاچه ضفدع و شرغوف
صماخ و سامعه و اذن و حجه کوش قواق
آنک یوقاروسی بالای کوش ایمش دخی قوف
عطاسه عطس و کداس و خفیدن افسرمق
سکنج ایله کده دوست او کورک سعال و سروف
حذا و قفش پاپوج پایدان و کفش و لحا
پاپوچی سرکرو اسکاف همدخی اسکوف
کلبم ارانش و تواسی کجه لبد سا کبیر
عبا پلاس آبه در پشم یوک عربجه سی صوف
جمال * وش دوه ل اشتران اتان خراشک
بکظم * خشمه باکین غضبلو شرزه اسوف

۹۶۲ * سزا بکردن حوری قلاده میگردن *

* نظام لفظ بلغی بیجوهر موصوف *

* مقاعلن فعلا تن مقاعلن فعلات *

* زخاف قطع ایله مخبون مسبق و مخذوف *

* نظم کهر زای من قطعه در نجف *

ادو * منی * لطف ایدن بخشش واحسان لطف

عاقب * و پس صکره در کجمه گذشتن سلف

حل ایله کوکوار بولک بینی خفیف و سبک

ظهر و فراك ارقه در جفتن اکملک جنف

داء و الم اغریدر تیرک و غفری کبی

رخته و بیماروش خسته مذیل و دنف

زیر زمین تحت الارض اولدی براتی دیمک

کور مزار آدیدر قبر و حقیر و جدف

کوندز ایله کیمه در روز و شب و کرتان

تار و قرانلق دلس ظلمت و دمس و سدف

فوج جماعت بولک اولدی هجاور گروه

مسجد و مرکب محمد هم صیره در رسته صف

معینده ال ارقه سی ظهیرید و پشت دست

پنجه آوج زاحه ال ایله سیدر مشمت و کف

شاخ چیمک فارسی کل دالیدر غصن ورد

نور و شکوفه چیمک صاقسی سفال و خرف

چغز و کلاور بزغ فوربغه نفاقه در

تا بلویبغه رق ایمش چلیچا باخه کشف

بسجل و تابد بوسکرایب ابق و ریسمان

بعصر و شبک صقار جیره عصاره تلف

هیس * و روش کتدر نزد وادی بان دین

خشه * و پشته دبه سوی یکار طرف

۹۷۰ * بادل و جان از پست فاتحه خواند ترا *

* واری سنگچون اوغول لک خیر الحلف *

* مفعولن فاعلن مفعولن فاعلن *

* لفظه منیلومنی جوهره فی الصدف *

* لفظ جوهر دار نظم تیغ معنی را غلاف *

ارادن * خلاق * ویزدان در بلوت ابرو طخاف

صاقنسان پرهیز کارو * متقی * ناب آری صاف

اغترال و کفن اکرمک ریستن رستن کبی

بشم بولک معناسنه تازیسی عهن و صوف و صاف

هوه جدوی ویرکیدر مغیازه و بخشش کبی

انتخا فخر و تمدح لاف اوکو نمکدر کزاف

ضام و نیم لودر ایاکوا کریدر افقم شکفت

کشت رصقله بوش بوکورا وادی کوبه کدر سره ناف

مل سبجیدر فیهج و جریال واسفقط و شمول

بع و مسطار و عقار و طله و راف و سلاف

زیر زنیاره شهیدی قلیان قندع کدی

ملقه شبه اورسبولقچه شلف و جاف جاف

پیشخورد اوقمه عجماله ذره وارزن طاری

لویا و دجر بوکرو لجه یمک خوردن عداق

ارز و نارثو چامدر دلب و سپیدال و چنار

بید فرسیدر سکوت صنار و صفصاف و خلاف

طاسدلو مغموم و مکروب و حزین اند و هکین

کریه و اندوه ایمش نیم آغودر زهر و ذعاف

عندل و جلانه بلبیدر هر اوازند خوان

زندان و زندباف و زندلاف و زندواف

بعد * من درس او قودقدن صکره پس از خواندن

حفظ * و یازار بر آجملقدر شکستن انکشاف

۹۸۸ * هشت حرف اندر زبان فارسی ناید بدان *

* حا و صاد و ضاد و طا و ظا و عین و غین و قاف *

* فارسه مخصوص صدر اوج نقطه دل درت حرف کیم *

* بیری پادر بیری چیم بیری رادر بیری کاف *

* لفظ هذا النظم در بحره بحر عیبی *

آچی * فامح * کشا بنده سزا لایق حقیق
 بوزیجی * حاجی * پهنده بیجه باریک و دقیق
 از بولونان نادر و نایاب شی چیز و زبال
 سوکلیدر یار و دوست و خل و محبوب و صدیق
 بت شمن طاغوت و عزیزی جاح چلیپا و صلیب
 مهتر ترسا نصارا نك اولوسی جائلیق
 قلی و نفرویدن قاوورمق دینه قویروقدر ذنب
 پشمش ات اسلع تبه باصدرمه در کال ووشیق
 مقصدحه آتشرنه چاقق حراقه قا وپوک
 کل غفلچمدر شراره سوختن یانمق حریق
 آفر آتدر ذیح وشدخ آن سسی شیهه سهیل
 کیج اشك کسهه اشك آوازی بانك خرنیق
 نخط وخلیدن که سومکورمک سومک خلم وخط
 نف نوکورمکدر تخم یفج سلیمار اولدی ریق
 درش و معلف یماک اولاقدر چرازار ولباق
 طوربه در مخلات و توپره ارپه اولمش جوعالبق
 اوکرن آموز و تلم افعال ایشله کارکن
 پیشه صنعت ایش دیمکدر اوسته استاد ولبیق
 قوغه سچیل استاخ ناعوره طولابدیر خربله
 قعروبن دیب چه قویی عیلمدرین رزق و معیق
 عز * اولوقدر بزرکی سوکی وود وستی
 اخت * وخواهر قز قزندان ارکمی دادر شقیق

۱۰۰۱ * لا تخافوا من اصول این اذهب فاذهبو *

* قد تدارک الرفیق المهدی ثم الطریق *

* سرکشاده پارهنه باش اچق یان ایاق *

* مروج آیدر قسی الالباب العقیق *

* شعر رنگین بدلت همجو قاش اندر سوق *

ور * و فرآیدین ایش قاره کواق تاره غسوق
 نورلوتابنده * منیر * پارلمه در رخس و بروق
 پووه لانه مکنه سرچه چتوک و دختان
 دال قارتال قوشی اولمش رخه برخم اتوق
 اولدی شیلانه وشیلا نك و عذاب و سنج
 نوصه وبار یمشدر ارک آلور قوق
 شندف و طبل طاول ککوبه تیره دبلک
 سورنه سرغینه و خالوکچی زماره و بوق
 سوزمه در تصفیه پالودن و پالاییدن
 سوز کی پالاون و پالونه و مبرل راووق
 اولاندی لایفتح اچماز ککشوده نشود
 اورتو لوقاپور در بسته و باب مغلوق
 غوله دیوانه و شوریده و غمیدد لیدر
 دلهم و اخیل و مهر وع و هیت و مالوق
 مان و کمال اواسیابی اثاث و زلز
 درج و حقه طوق و صندوق نینکوزندوق
 کبج و شاهه دینلور دلچکه شوق و کب آورد
 چون بوغاز خلق و کلو جعی کلوها و حلق
 قلابیق جوشش غلی و غلبان و فوران
 بختنه منضوج پشن سوخته یانمش محروق
 لحم * و گوشت ات دیمه در زاقیه و کال و خروس
 غوجه * و تاجه ایلیک طورنه کلنک و غرنوق

* راست دیدیم مهی خوبی داند ارست او *

* قیدر ایناقر او هو جمال المعشوق *

* رزق ایچون غم به آج کوزلولک یتمه طوق طور *

* درازل ککر درازاق بیچون مرزوق *

* هذه منظومة درية بالاتفاق *

مرحتلو مهربان * خندان * طولیدر پردهای
 شبت * و باران یغور آفتاب شکفتن انبلاق
 بوح ایله جونه کنشدر مهر و خورشید آفتاب
 وجه و روبروزلف و کبسو صاج بلوت ابرو باق
 جیلم و حاسن مه آی آیدلغی مهنلک و بهر
 آی صوکی انجم ماه و سلخ و آداء و محاق
 لبلة القمر امه تابان در آیدنلق کیمجه
 یول سراط و راه رفتن کتمک اولمش انظلاق
 یوز محیار وی تابش پارلمقدر التهاب
 تار و ظلمندر قرانلق یانمه سوزش احتراق
 هم یکی آیدر هلال و این مرته ماه نو
 حاجب ابرو قاش دیمکدر نسنه در چیز ولواق
 چاشنکه قوشلوق غزاله اویله نطهر و نیم روز
 عصر ایکنه دیدر دکر سچمک کزیدن انباق
 باتلق استلقاء و وستان یتسودر خفتن عشا
 فحه اخوا و اویقو قوشاق اولمش میانبدن و نطاق
 عاشق افتاده سون محبوب و دلبر در کوزل
 دوست داشتن سومه در حب ووداد و اعلاق
 در جهان عالمده فی الدنیا بود اولور بصیر
 تحس الم غصه جدایی آریلقدر افتراق
 طایس * چوق صواب بسیار و درخت اغاح شجر
 کزع * و اشق کیم براوت صمغی یااض اسفیداق

۱۰۲۷ * ادعی حبا علی رغم العدی بالشاهدین *
 * ان لی عینا لهما دمع و قلبی فی احتراق *
 * اشک چشمم شد شراب از حسرت لعل لب *
 * جسم و جانم کرد بریان آتش درد و فراق *

* هذه القطعة من یقرأها الکاف ملک *

حاکم و * داور * و قاضی حک و حجتدر صک
 بوجه بانو * علی * کون آیدر چرخ وفک
 پاینده و قیطن پوق فلکده اغر شق چرمک
 بشیم یوک طیره دینلیدی ایکنه مغزل دستک
 نام خوانید او بودی بو کیمجه اللیل امشت
 مهد و کهوره بشک مندل چو جوقدر ککودک
 جفته مقلات چومق دودله و قلله چلبک
 لهور بازی او یون ارجوحه صا لبحق اورک
 چوچه و ککرده و غلنه و برج او قلاغی
 شویج و طله و شویق و صویج مدمک
 مور پیرس اسئل و غنی و نهفته ککزلو
 اولدی اغلو طه لغز بیلیمجه چستان ککردک
 باقرم مینکرم انظر ککوس ستره نما
 قسمه قبهلی و سنه یوز آدی فرسی چچک
 منهره مزبله در شوله و کاجان شککه
 فشی سرکین و دمال اولدی تکه خشی زک
 نار له در مزرعه فلحان شمیر و شوریز
 یزمین ککادیه کلهور و مدر یعنی ککک
 کفت و ککوید دیدی دیر تاز سیدر قال یقول
 همچو من بن ککی منلی طوطی بیغاقوتک
 فکر اندیشه دوشو غمک دلی هبار و مساوس
 غم * و پزهان طسه اجق آدی مد هوش و شفق

۱۰۲۸ * هشت شد در لغت فرس ادات تشبیه *
 * ون و مانند و چو هم چون و ش چون آسانک *
 * پرتو طبع مننه بو نظم کهر پروریمه *
 * رشک ایدر مهر جهان تاب و زیبای فلک *

قبیل فتح قاف و سکون
 باده و حده و فتح ه آخره
 علامه یوز معنا سنه در
 قسمه و سنه کبی
 فارسی چچک در
 علامه

* شده هر مصرع من در دل حساد خدك *

باورنده اینان * مؤمن * و بهر آیدین زنك
غوث * و فریاد مدد اوادی دو گوش حرب و جنگ
عسکر و فیل و زمازه و جنگل چری هنك
اولدی قانق چاوشك آدی بسا اول سرهنك
مكه ده فی الحرم و اندر خاتون عرب
كان شد اولدی ایکی طاش صفامروه دوستك
قالب و ناوه بدن نقش كبی نقش و نكار
صورت و چهره قیالقی ماده هیولی نیرك
شوشب و شبده شواله كه عقرب كزدم
قشب و ذیفان آغرمعناسته در زهر و شرنگ
دیلم و حبیط و دراج و تدر و جور بوز
رهو و كركی و خبر جل کیدر طورنه كلنك
لتره و چالك كبی یرتفه دی خرق و هتو
رقعه و لدمه و جوه یامه در پینه و رتنگ
آینه آینه و ذیله و سنجیل مرآت
توز عسیر و عصرو كرد و صدأ پاسدر رتنگ
زه كرشدر و تراوق تمرنی نسل و پیکان
بای كان ناره اولدی اوق آدی قتره خدك
نعمه دستال طاش اتان قاذق ایله سنك انداز
سنك طاش جندل و مقلع صیان دستا سنك
مام * انا والده دوشیزه و كعاب قزدر
عج * و شبوه دیمه ناز اوغلان ایش صنو و دینك

۲۵۰۱ * هذه القطعة تمت بفیوضات دعاك *
* تگری خوشنود اوله سندن رضی الله عنك *
* فیض هنسله و پروب تیغ زبانه آبی *
* کیم که حنظل ایددی کلام باشنه طوقدی چلنك *

منو قمع و کسر ضار و مجبه
و سگون نون آخرد
و وایله وایله غنچه در
فارسی قمع دال مجمله
و باده و جده و سگون نون
آخرد کاف فارسی الیه
دینك در

* قطعه مقبولة لا تحفظ و ما باسكوك *

پادشه شاه و * ملك * در جی شاهان و ملوك
ایلیچك پیغمبری باخی * رسالت * هم الملوك
اغلیسان کریان و باکی ایگلین نالان اتان
اولدی خندنده کولن مہسام و ضحك و ضحك
تنبك و صفراء باید رشرعه تار اولدی چله
تیل و تخمار اوق نشانی آیدر قرطس نمون
نقشه و راسو کالجك ابن عرس و سنبه
دب و دیسم خرس ایواولمش طومر خنزیر و خوك
ان تکلم و ربکوی دیرایسك اوکرا كز
اکلز لایفهم و نشاسته احق مانع و اوک
دوره و خرشون و تراق شوك و خاراولمش دیکن
انجیره کیکج اصیرغان بالدران طحما و شوك
قاره کیمکدر سیه پوشیدن و اس الدهام
غصه و تسویداولمش طاسه مانع یاس و سوك
صوده در فی الماء و دراب اوردك اوزکودره
فاسکیان فربه اولمشدر ریح طاق و دوك
قاشققد رحك و خاریدن او بوز حكه اوک
تمره کی قوباء اگر بون هم سکی ثاول و كوك
راست رفتن طوغری کتمکدر هدا و اهتدا
۸۲ شاه راه اولدی یوك پول شارع و وهم و ضحك
سبك * اذابه جل ارتمکدر کدازیدن كبی
سوخت * یاندردی ضلی کالیونی بونلك توك

۱۶۶ * سال زکی سک نهنگ و کوسفند و مار و مرغ *
* اسب و کاه و موش و خرگوش و پلنگ و قرد و خوك *
* ایت بالی قویون یلان قوش آن اوکوز طوشان صغان *
* قیلان و میمون طومر در حنظل ایله سلوك *

سایه های نرگان

* لآت منظومتی فی سلاک نظم کالاک *

اولوق اسی بخداوند بزرگی * ذوالجلال
صدق * و کرچک راستی و ابتدا اول فیال
قل لسا مارا بکوسویه بزه کل آتعال
صفاء منهان ولا تکتم سخن سوزدر مقال
قومشوده فی الجار و در هم سایه اولدی صار بود
صاخره سس فوزان سوز صا و کفتگوی وقیل قال
اق سید و اینهن اولمشدر بیون کردن عنق
قاره سبز اجتم عرب زنگی حبش یک شامه خال
دیده و مرئی کورلش هز بلیله چیز شی
زبرج آرایش بزرگ اولدی آلائی موصکب یسال
اهتر از و میسد صالمنق چانیسدن خرام
آردج اهل و رس بوی بوص قد وقامت یال و بال
طین و کل چامر صمانلی اوذنی کهکل سیاع
کوز بار دق تنک ایش باردی فی فخار و کلال
در زمستان فی الشاقی شده صو قدر برد سرد
جامه پیچیدن بوز نمکدر تغشی اشمال
تک و تازی منقل اولمش فارسی کلک و لکن
کل رماد و ضیح و خاکستر کور فخم و زکال
جستن و جوییدن استقرا و تقشش آره مق
صوری پی پرستده سائل ایستک خواستن سوال
فج * رزه بول کرهیدن آزمد در غی و ضلال
مطاط * هفتوت یا کلفی فریب و مکر و آل

* ۱۰۷۹ ای جوان ارکوش عرفان بشنو و از بزرگیکن *

* شد بیزد اهل دل این پند من سحر حلال *

* کرچه بی اسباب و زنی میدهد و زور دکار *

* این زمان فتنه در گیتی مشو صالحت عبال *

* شد عروس نظم من زبینه بوجه نجیل *

رفتن و ادلاج کتمکدر کوزل تلم و * جبیل
رهما و رهمون بول کوسرن * بخت * دلیل
مدن و خلد و جنت و فردوس اوچقدر بهشت
رود منوار مغیدر سلسبیل و زنجبیل
کک و ندر و نشواره کونک آیدر مقل و لیان
حرص و اشنان در چوغان بوی تخمی حلیله شبلیل
شاهبوی ایلیم عنبر مرقد افیون نار ککوک
زنجفیلدر زنجبیل و شکویر و شنکبیل
ویرمدی با که دیمک لم یعطنی بامن نداد
بست و سافل یعنی آلقی جریدر نا کس ندیل
نیمره طنجیره و پاتیلله کتعه کف کوپوک
کفج کچمه مغرفه و مقدحه و قفشیل
مغ کاور نصرانه دا نشمند ترسیان پاپاز
اسقف و قسبس و مطران راهب و بطریق ایل
نانوا خباز انمکچی سمید اتمک شمند
یوغه چه کسمه سکار و اولدی طرموس و ملیل
کک آیدن قدوم اتیان کبی غشبان ایش
کتمه رفتن مغرا سنلشک و داع آسا کسبل
بانه و کاییل هاون در مدقه ککدوش
کوبه و یاور کبی هاون آلی ملکد نصیل
فاج * قوقدی فارسی بوید اناب و مشک مسک
صیغ * وروناس اولدی بویه هم چوندر خطر و نیل

* ۱۰۹۲ با حدیث فخر عالم اولدی ممسوخات اون اوج *

* از برایله حکمت مولاده ایتمه قال و قیل *

* دب و جریث ارنب عفر بفر در و طوطا عنکبوت *

* صنبد و دعوس و سبیل و زهره و خنزیر و قیل *

* اذا اردت كما لا مكلاننا فاقبل *

بزرگ اولو * متکبر * اوتانمده شرم و مجمل
 قتم * دهند و برنذر سونمه شاد و جذل
 اشل و شیک چولا قدر طوپال انک اقل
 اشق حکیک و یجل صاغر بدر پرخش و کفل
 دویند ایکی کورر بیصر اثنتین ککی
 ککلارته کشته و کر شاشی کوزلیدر احو
 علالت اورس آدی سندان چکچیک و فطیم
 منین ککونک آدی مقراع و مسخنه معول
 ککشیب و عوکل ایمش قوم یعنی توده ریک
 فراز و وعر بوقوشد در دپه بزندک و تل
 جزر کزر هاوج اولدی قبک ککد و یقطین
 نخود حص و دمال صوغان پیاز و بصل
 من الرحیم و زپر ورد ککار تکریدن
 فز و نزار نجق افضل رجا نیاز و امل
 اویان لکام و شکبه بولار زمام افسار
 بوقاغی بند و شکل آت دیمک سناغ ارجل
 بککونک اولدی جسامت شجاعت و ککندی
 لکم سزه بشما ایش قیاس و شغل و عمل
 خزینه ککتر و خزانه و ککچ و ککچینه
 شکفت و شغب مغاره طاع آبی کوه و جبل
 جفاه * وزجت و رنج و هجیدن اینجمنک
 نظهر * بیل اغریسیندر در دیش دست کفال

۱۱۰ * نه پیش میروود عمر ترانه پس ماند *

* بهر کجاکه شدی در قفاست پیک اجل *

* بدان که سبعة سیاره زهره و مریخ *

* عطارد و قمر و شمس و مشتری و زحل *

* کر کسی این قطعه را خواند شود صاحب کلام *

دستیاب و * قاهر * و غالب قلیج غفج و حسام
 قورقودان * منذر * نهینده و زرنک اولو همام
 ماهها ایقار آیلر کیمه لر شهبه لیلال
 براوزون کیمه شب بلدادخی ایل النمام
 چنگلستان ایکه اوزمان کوهها طاغلر جبال
 بریوزیدر ساهره روی زمین برجا مقام
 بیقعه تخریب و بهیدن غامر و ویران بیاب
 ضوع و جغد اولدی اوکی بایقوش ایمش خفج و نهام
 خوردن اندک قسانه قله الاکل آزیمنک
 خل و سرکا یعنی سرکه نانخورش قاتق ادام
 رکبه دیز زانو قیساغی داغصه و کردنا
 بور اینجک ساق ران قغذ اویلق آدم خطوه کام
 راویه پیغوله گوشه صغه همجواند و اوآن
 رادخانه حائط و دیوار در مطام سطح و بام
 صاغ طرف یعنی و سوی راست صول بصری و جب
 دیر و پس آرد اولدی اولک معائنه پیش و امام
 بریمش خرقه اغاجیدن از درخت و من شجر
 شطأ باپراق برک ایمش خسته چکر دکر جرام
 تکریدن قورق الله الله و بیزس از کرد کار
 قورقو خوف و بیم و شرمیدن اوتامق احتشام
 لون * و بویه رنگ و سرخ و اشقر احمر قرمزی
 غیرزان * راهن جیرادر قز بلنی ای همام

۱۱۱۸ * باغم ککسویت اولیلی و شم شفت نامحر *

* فی قفار الهمجر ککالمجون عینی لاینام *

* قورقیک انجق جناب حق اولو اوج آلیجی *

* لایخافوا انما المولی عزیز ذو انتقام *

* اقرؤ نظم اغسانی فعلینا التفهیم *

یازدان * قالی * ویزدان بزرگ اولو عظیم

نجم * واخترکی بلدز کیجه شب قصر و صریح

اولدی خندان کولجی باسم و بهسام و بسم

خوب رو و کویک اولاندر حسن الوجه و قسم

زنجب و منطقه قوشاق میان بند و دوشاخ

حلقه در خوق و خسر طوقه در آوزین ایزم

زه جرجیر و سمو شیخ و درمنه یاوشان

رطب و تریش قوری اوت کبه خشک و هشیم

نوعه و شایه بمش قرف قابوق فافلیز

ایچ هشو آب جکر دک آدیدر آسته جریم

اوقلمک تقغ و دمیدن نسبه دم که صولوق

دمه منغ کورک آدی کر انکشت و خیم

دلکیدر سم سم و روبه دله سکسار دلق

کیش و موینه کی کورک آدیدر مستفهم

ساخور دن یاشیق اولدی طول ییل سنه سال

تاوتک یاشلو معمر قوجه در پیر و کهم

پسرت اینک اوغلوک پدرت باباک ابوک

هار و ممسوس دلی اصلو خرد منند و حریم

اسکیم کهنه شدن درس و همود و سمال

دیندی کر باس کهن اسکی بزه هدم وردیم

جدف * و کور مزارادی زمین بر یغیم

یغلمان * تشبیه پیرامن ایمش چوره حریم

۱۱۴۱ * مر خداوند نکو کار و بزرگ و داناست *

* انما الرب کریم و عظیم و علیم *

* حق تعالی ایده اوچقده سکا احسانی *

* انعم الله تعالی بک فی دار نعیم *

عرب بلر حول حاکمه علی
الیه دیر از بر وزیر
ایلی دیکر برده

* علم الله تعالی لک عالم تعلیم *

منغم * دادستان اوج الیمی قان خون دم

فضل * و افزودن ایمش آرمه دکر دامایم

پادشاه شاه و کبازنده و خلیفه کبیم

بک بیوک مهتر ایمش اکبر اجل و اعظم

شیرارسلان عماش و عیث و ضمضم اسید

شدقم و سلقم و عذر ام و عبوس و ضرغم

یا عجه در کاشن و کلزار و حدیفه فردوس

ضمیران فسلکن اسپر غم ونا زبو سپرم

ایسم اولق خشی تن زدن و صحت و سکوت

کر اصم یعنی صاغر در دلی بوق لال ابکم

خنصر و کهمبر و کالج کویک بر مق ایمش

پوزک انکشت و خیتام ایله بطرم خام

معنی کنت و کواره و خلیفه که قوان

برمر و موسه آری نحل و ثواب و خشرم

یعنی هکجه مده بخرجین من و فی کورزی

صیغ ووزنامه قتی زاد از قدر زردم

یولجیدر سالک و هم این سنیل و رهرو

یول ره و ترهده یولداش رفیق و سنکم

نصع و انفاض و نتاج اولدی طوغور مق زاستن

قاری آش پر مسیدر ناسه و تلوا سیه و جم

۸۸ فاز * قور تولدی رهید از زلک او ددن من نار

چاقغ * آتشره و زند صوق برد و زم

۱۱۴۲ * اشعری گفت که چارست پی برزنان *

* حضرت آسید و ساره و هاجر مریم *

* قیل لم یأت من الجن بنی و رسول *

* هکذا نعمت الله تعالی اعلم *

الله تعالی ایا به بدن و اهل
امصار دن و نساء و جنی
طائفه سندن پیغمبر رسال
ایلمدی و چله سی اهل قری
دند رمن تاریخ نهجسه

* مصادرای پسر شدام مشتقات در هرفن *

عزیز * اولوکلان اولش طارلق خشم وارغیدن
 خردمندو * رشید * اوصلوچالشمق جد و پوشیدن
 تودء کشتن اولدر مک قارشقم هرج و کالیدن
 کپیدن خلص قائمق غارت اتمک نهب و نالیدن
 طارلققدر تهوڑ معض و غرمیدن غراشیدن
 باغرمق صخ و بانکیدن نجیم او کسورمه سرفیدن
 سکرتمک سعی و چرویدن رخیدن صولومقدراخ
 فنودن عثم اکلمک طولاشقم عکف و غالبیدن
 جزاز و کزد کمک غرس و آجستن اغاج دیکمک
 بیومکد رنما و نشو و بالیدن ککوالیدن
 دینور طولدر مغه ادهاق و شجر آغستن آغندن
 کلاندن رش صاچق دوکمک اهراف و نالیدن
 جاع اتمک رفت کاییدن و کان کردن و کادن
 شپیل و همز صفیق احتضان قوچق خجالیدن
 نکا هیدن اساسه و انکرستن طمع باققدر
 قنایق لوم و عدل و غص و نایب و سکا لیدن
 طاغلق کشح و کرشیدن پریشیدن پراکندن
 فشاندن نشر صاچق ایکلمک تان و نالیدن
 مخافه قورقه ترسیدن نهپیدن نهپاریدن
 نهپازیدن نهپاویدن هراسیدن هیالیدن
 هدف * نیشان نشاندن کوزلمک نظر و نکا هیدن
 نواظر * دیده لچشمان بصیرت باقه در دیدن

۱۱۵۷ * هدیه کدهام نظم ترا از جان میباید *

* سزاییدن پذیرفتن پسندیدن سپاسیدن *

* من المحبوب مقبول و بالعشاق مخصوص *

* جفا کردن شکستیدن نیازیدن شکستیدن *

* شماراوصف جوهر میکنم بایست اشیدن *

آچق پید او * ظاهر اورتمه در تقیم و پوشیدن
 نهان * باطن * کبیدر کز او وجدان بوله باییدن
 ایشه مک بول و چامیدن تغوط صیحه در ریدن
 بومقد رغزل شویدن آرتقم طهر و پاکیدن
 ستادن اخذ المقدر فروختن بیع صاتمقدر
 قزائمق کسب اندوختن چالشمق سعی و کوشیدن
 کرفتن قبض ملوتمقدر قوپارمق جث و برکندن
 یراقق حفص افکندن طاعتمق قشع و پاشیدن
 سکرتمک افر و تازیدن صولومق ربو و شخلیدن
 رسیدن نیل ارشمکدر اکلمک میل و یازیدن
 کتورمک عفق و آوردن کیمک لبس و پوشیدن
 بزتمک زین و کز ویدن یارشمق لبق و زیبیدن
 یراقق فطر و افریدن طرور اوت بتمه رویدن
 زراعت کشتن اکلمک صولمه در ذبل و فزولیدن
 لبالب کردن آکندن افاضه عرض طولدرمق
 صوامق سچ و اندودن صومصاچق لخط و بشخیدن
 دوشتمک فکر و اندیشیدن و اندیشه کردن در
 دلورمک مس و آشتن سونمک هزه شادیدن
 بولشمق طبخ و آلودن بوغورمق عجن و آشردن
 بشورمک طبخ و پوزیدن قاوڑمق جس و تغریدن
 صوج * اتمکدر کنه کردن جنایت احترام اذتاب
 مذات * خوراق خواری و تانق و آب و توریدن

۱۱۸۰ * بنم بو نظم می ایچوایله وزن ایتمه لایقدر *

* سزاوارست این نظم بر وارید سنجیدن *

* فقه الفت سفرنامه تصنیف می کردم *

* راخواندن نوشتن لازمست اما که فهمیدن *

* قیمت نظم من افزونست از در عدن *

زنده کن * محی * دیرادن خرم و مسرور شن
اولدی میراننده و قاتل * محبت * اهلانک ایدن
سعتز آویشنه ککک مانتر شیک عشق قول ایمش
نفع و پوزینه یار پوز صرمشق لبلا ب و سن
کون شعاعی عین شمس و چشمه خورشید ایمش
نیران آی کونمه و مهر او لکر النجم و یرن
مشش ورم آماس مرکامری طاعون یومری یقی
بز آدی غده دژینه اولدی اورسلعه کلن
نیر کر نیال اوغنی تیرها او قلر سهام
یای قابی مقوس کاندان در قبور خوله قرن
اسطر و میران تراز و کفه و پله کوزی
منجم و شاهین تراز و قوی بطمان رطل و من
تابل و بود اولدی ارغج تار و حابل در ارش
حایک و جوشیر جولهه پوسه ایله کدر ردن
قربه در خیک و مزاده سغه بیاب آبکش
متملی سرشار طولش نسته کوپدر خب و دن
قولغه ابط و بغل دیندی بک بستنج ورسغ
قول ذراع و کنت دیرسک مرفق آرین وارن
بزیره گلش فراهم آمده شمل و جمیع
مجلس آدی مجمع و نادای و بزم و انجمن
سال * خشک و حطمه و چارود ایمس قتلق ییلی
غمزون * آسا محزن اولدی غصه آرترن

۱۱۸۲ * اینستم رابامن ای شاهنشاه خوبان مکن *

* بوجغابی ای کر زلر شاهنی با که انجمن *

* اضطراب الحب فی روحی و تارقی البدن *

* بیچناب دوستی در جام و آتش بتن *

* نوشتن لایقست این قطعه را با عنبر خوشبو *

ز پندار و من * المعنی * که بایدن ایسته اطلب جو
کیم اولمش ایستنیان خواهند شافع سوبله کلم کو
زبانه بورسوق اولسد در سفاره قنک و واهم هم
کلردر سحبل و سوسمار کر پی شوهب و سیرو
پروش و بیره سیونجه او چوق عبقوله و بخال
پریون نمرکی قوباسکل ثولول هم پالو
عسیف ارغاد فرسی رنجبر و مزدور و کار افرول
کلند و منصفه قازمه کور کدر بحرفه یارو
یلاندندر من الحیه زمار آغوزیب و زهر
علاج و چاره ام تریاک ایمش تریاق و جاندارو
ذنیسا دیو کندم چاودر اولدی بقله کوسک قول
ذوان شلم قراموق مرچک آدی علس منجو
ایست اورمک نجح و راویدن زنوبه عوا و او مقدر
ایک جرو و سکت مایون دیمکدر قرد و سنبالو
صبا و باد یلدر اسمه سی هب و وزیدن هم
سکوت صفا صاف و پیدا اولمش صنه برجام ایمش نازو
بو کورنلن کیهه و علیق نارتک و نورنج ارج
لمون لیون و لیو شفترتک و خوخ و شفتالو
توخدر بذر و تر کردانه اولدی حبه و دانک
صوصامدر سم سم و کچمد طاریدر ذره و شوشو

۹۲ انام * و آفریده خلق یلدر کوسکب و تارا

مه رخشان * و باهر باراق ای یوزدر مطهم در

۱۱۹۶ * بامید صبح روز وصلت در شب هجران *

* نوشتن وصف خورشید عذارت ای هلال ابرو *

* فحسن الخمد فی منظومنی نور علی نور *

* صبا اوزره ضیا نظم ابتد یکم شیده کوزل یازو *

* بادر عینی پیا معرفت آموز ورو *

نور * و فرایدن دیمک شعله زبانه علو
 شمع و * سراج * و چراغ اولدی کیجه قصر و شو
 کاه ایله رفه صمان اولدی قضیم اربه جو
 کوپش ودق دوکه دریج دیمک احصد درو
 رعد و هزح زمزمه کورله تندور ایمش
 هایعه و نأمه سس فارسی پرتواک و غو
 ساریه استون دیرک تخته و اوج و سكال
 طام آدیدر سطح و بام اولدی کد و ربع او
 اوبکجه عقب پاشنا ازاثر و نقشیا
 پوید و بعدو پلر قوش دیمک اهرع بدو
 خون فسرده علق طوکش اولان قان دیمک
 مده غبشه اریک فارسیدر ریم و هو
 زدمه و کورنه یامد کاله قشاش و متاع
 اسکی هتیک و کهن یکی جدید اولدی نو
 دوشمه فتادن سقوط آشنی سافل فرو
 ججه قوبی کرود اولدی چوقوز حفره کو
 هب همه و فاطمه دردم و هنی طسم
 قلت بکتم دیدم دکه سن اسمع شنو
 جارحه و دست ال شیر قارشدر وره
 یومرق ایمش جمع و مشت اولدی آوج کف و خو
 کاعب * و عذرا دخی ناهد و ناهید قر
 دغره * ربودن کی قائمه بکت دمر و کو

* کن یقننا پاواد من نکبات الزمان *

* از فن روزگار ای پسر آگاه شو *

* اول ضحك شمع بزمه بزوانه یم *

* نکته اسرار عشق از من سوزان شنو *

* قطعه مرغوبه انشائنها فی حرف واو *

اولدورن * جبار * میرانده صو سلسال او
 چاگران * داعی * غریونده دوکوش وقعه نکاو
 فارض و باقوره و جلع بقریه بی او کوز
 ناوک و پرمایه پرمایون و سهر و کاو غاو
 خشرم و حیدان و دملوک و جبار طاش سنک
 حصلم و ترب و تراب و شبیه طبراق خنک و لاو
 احمر و ابریز و عقیان و نصیار التون ایمش
 ماخ و رکک و پره شیب هزارینه و راو
 لف و پچیدن که صیارمق کبه و پیمک بوماق
 رشته خیط اینک کاب اولدی و شبیه و کلاو
 دبس و دوشاب آدی بکمراری و شهلات اولدی بال
 قوبه در وضع و نهادهن هونیدر قع و تکاو
 مایدر ازرق کبود و نیل و عظم در چویت
 زرد و اصفر صاری حص و زده چوب و زرده چاو
 انطباق و ندق و غنذ و افق تراویدن کی
 فتح و روزیدن صو سزمق طله اولمش فطره نار
 سبز پامشوم اوغز سر قوتلو فرخنده سعید
 زاغ و حاتم قارغیه بازح شامخ و نجیر او
 بالته در فاش و تیر تیشه قدوم اولدی کسر
 ککر و نجار دولکر یابوچی بنا و راو
 جالس * و قاعد نشینده اوتوران کیمه در
 کاغرا * اسار اوده یالک اهل تاب والاو

* عطف واو بالام و همزه رب استنباف ومع *

* عمرو و انکار و ضمیر و مبدله تذکیری سار *

* وقت و نسبت تدبیه اشباع و قسم صرف اینیه *

* فارقه حال و علامت بیست سه معنای واو *

* طبع من صافست از آینه خورشید و ماه *

هیت واکل تکریدن از کرد کار و من * اله
یاوری یاردم * غیاث * ایسته دیمک اطلب بخواه
کیچید کرنیز دایشان و کورتان و روز شب
ای کونشدر نیران و ازهران خورشید و ماه
من هسابوردن از اینجا کتبه لاتد هب مرو
صیفنا جق بر مناص و موئل و جای پناه
عین و د خدار و زر التون در کش سیم و غرب
علق ایودر نیک شک یوق بینکمان لاشنباه
لسو و خوردن در یمک کردان خنید اولمش کباب
شرب و آشامیدن ایچمک آبها صور میناه
جمفر و شاخابه ایرمق و کول غدیر و آبگیر
سبح یوز مکدر شنا سباح یوز بکدر شناه
عض ایصرمقدر گزیدن آزی دیشدر بشک و ناب
کلب و سک یعنی کوپک اولمش قره حمیم سیاه
عزف و باختن اوینامق رقاس و چنکی پایکوب
دف کفه دف آزعون اولمشدر فنا فاسد تپاه
زهرة اشکوفه چچک اشکفتن آچه در فقوم
باغچه بستان تعرفه اوتدر تلافیف و گیاه
او یوم قی خواپیدن و خسپیدن و نوم و رفود
منید یدر پیدار بودن این تراق و انتباه
هیف * ییلدر روز کار اسمک و زیدن هب و ش
رغله * دیرلک زنده گانی هم چری عسکر سپاه

۱۲۲۵ * این شهر و فارسی راهر که از بر میکند *

* آفتاب عالم عرفان شود بی اشنباه *

* بهمن اسفند و دی خرداد ابان مرداد و مهر *

* شهر یور آرد بهشت آذر و فروردین تیر ماه *

* بشیر و شکر لفظ و معانی کردم آفروشه *

برادن * باری * و یزدان بشقد و منبله خوشه
شفاء * و چاره و درمان از قدر کفیه و نوشه
شفوده هفته در اسبوع جمعه ازهر آذینه
مبارک اسعد و مسعود قوت و فرخ و نوشه
حمت الله ایزد راست و دم تگری بی او و کدم
عطاس و عطسه و عطس و کداس آقسر مداشنوشه
پچی مغز و بز اما حلب و دوشیدن که صاعقه قدر
لبن دلماب سودا و اولمش قاید در حلب و دوشه
صلا و سوخت باندی فار یعنی قایندی جوشید
اوچاق کانون و اتشدان چو ملک کفت و کالوشه
دجال التون صویدر اب زر نقره کشدر سیم
قویو بچی زرکر و فتان بالدر زخرفه شوشه
مرده ایله هدب کرپک اولدی فاشدر حاجب و ابرو
بحیف اوق تیر یایک باشی رأس القوس و خجکوشه
اوتور بنشین هم اقمعد مخیر و لاتقم قالمه
برکدر منزلک جایت بچاقدر زاویه کوشید
منیاودر میوه فروش و فاکهانی می سخی قرقف
فرسک و بجد اوزمدر صافقی عنقود هم غوشه
ازشته آشیدر اطریه فرسی رشنه واکرا
پر بره طعن اوندرا لاکه توغماج لایخوشه
۹۶ وفی * و زرف خوق نسته شکر در کد ایله قندید
مغازر * بخش ایدن بخشنده حلوا ناطف آفروشه
۱۲۷۱ * آلا لا شرب الصهباء لا تبع الی الکران *

* سکا تنبهدر ایچمه شرابی اویمه سرخوشه *

* نوشته نامه در مدحت رخسار و کسویت *

* مرکب ساختن رنگ کل خوشبوی و اندوسه *

* درین قطعه لغتها شد جوهر وارید کجینه *

سپاسیده * حید * او کولش احمد قفله نقدینه
غنی زنکین * توانگر کونده لاک یومیه روزینه
بخواهد یطلب استری ستاند یاخذ آکور هم
جری مجر و سپاه ایلق دیمک شهریه ماهینه
سیر آسا متیل الجنة کیم قلعان کی اولمش
کوکس جوشوش و کلکل فارسیلرد برو سینه
آری بعسوب و زنبور اولدی فرسی سنسه و برمر
شر قراق و شر قرق اخیل آری قوشی کاسکینه
قتی شی عرد ایله غفده مخام و لشن بومشقدر
ذکر حمدان و ذبدب فرج ایمش فاعوسه شلفینه
یکی چقدی نوامین و بد بعده به ابو فاخر
مال هدمل و سحق اسکیندر سالی و دیرینه
زابرشیم ایکدن من حریر و جامه ثوب اسباب
هم اطلس سندس و دیبا قطیفه نخله کلکینه
خزینه دار آجار کهبد کشاید یفتح الخازن
کلبد اقلید انا ختر خزنه در قلید و کجینه
دجاجة ماکیان اولدی طاوق قاز خریت و علجوم
عربجه قائده بضه بومرطه مرغه آسینه
غریب و ایم ارکن فارسیدر بی زن و بی شوی
ذکر اساکش ار ککدر دیشی اشی و مادینه
سؤال * و مسئله صومق که پرهیدن پرو هیدن
سراغ * آیه نسان بورلادی اولدی امرود سینه

۱۲۶۱ * یان مه در شب وصلت بنهها کاشکی بودم *

* ابالب رو برو زانو زانوسینه برسینه *

* لیرضو منک معبود ولا تغضب عن اصلا *

* شود رب از تو راضی با کسی هرگز ممکن کنه *

* فهدا الد در خد من کنز طبع الناطم الحاوی *

قوی * قوثلو زور آور طوران پاینده و تاوی
فلاوز رهنما * هادی * در ازغون کره و غاوی
شبان میکند برعی کودر کوی روستا قریه
چوبان رمیان ایله راعی قویچی میشبان شاوی
صغرتاج کا ویان فداد سورمک راندن و زروید
زکا و چفت ایمش اش برار کوز فدانه و کاوی
کلال وعی و تفهیر اولدی بخستن که بورلمق
قلندر عاجز و مانده ارقدر لاغر و ضای
یچی اکل و خورنده یش خورده و ما کول
آجقدی جاع شد ناهار آجدر کشته و طاوی
یطیر اوچار پرد قوش کیمی کالطیر و مرغ آسا
چهد یتزو دیمک مچرار چکر که خایک و هاوی
فتی و ععب و هبرک یکت مرد و جوان برنا
آن اوستنده طوران براسب پاینده دخی راوی
سمردی بالک فربه شد چریدن اونلا مقدر رعی
شتر اولمش دوه عرفاس و حق و عنکر وناوی
یلان مار اوادی فاعوس و حربش و سود وارق
دعادر رقبه و افسون یلانچی مار کر حاوی
دهاق و رطول آغستن و ازهاق طولدر مق
تهی کردن بوشالتمق تخلیه بوشدر تهی حاوی
۹۸ حیم * اسی موکر ماب و ودان آغشن اصلاتمق
غد برین * آبد انها ایکی کولدر خش قوری صاوی

* سوزم کر چکبدر یا خود یلانچی دکله حا کیدن *

* کلامی صادق ام کاذب فاسمع من الراوی *

* بزاری نابصیح ای ماه رو در مجلس فرقت *

* شکی من طول ایل صیک السهران و الطاوی *

* مدار العالم بابی مکتب العرفان میدانی *

مجید * وزد اولو بولاق دیمک وسعت فراوانی
صوک اولدی * خاتم * وانجام ایکنجیدر دوم ثانی
نسبک وز برج التوند در دخی سناو و هزارینده
عریجه در هم و ستوق ایتمش الحقه درم شانی
دلجی جنبل و سانی عریجه معوز و صعلوک
دی زنگین کیمسه به سرخوار و پندار و غنی غانی
بیقق ویرانه و مهدوم او مدرخانه ام بینی
کجا و این زده یا پوجی ککده واده کربانی
عذیم و عائل اولمش بوخسول آدی بی زرو و خسته
زنا فعلن ایدندر مردم بد ککار ابله زانی
دارلق غرم و غرشیدن که مندی حلم و رامیدن
دژاگاه و ختی دارغین بواشد در بردبارانی
بورون قانی زعاف و خون بینی قان خون باحر
جری آقدی زوان شد فرمزیدر ماردی قانی
اصح و راستنیک طوغریدر قوی سوزم رندم
چنین و هکذا بویله بیلورسک تعلم و دانی
نم آری او تدر هیچ بوده بوق اولان معدوم
قوجه در سالخورده هم مسن و قهره و قانی
قوجالمق پیر بودن شب اقبندان و شیخوخت
عجمجه ناتوان یتیم کک و جسر فازروانی
طیم * وشولک اولمش آت دویدن قوشه در سرعت
غوارف * نافه ردر اشتران ماده بیل آتی

۱۲۸۷ * قلم اون ایکی روم و قبط و هند و بربر و جبر *

* عرب یونان عجم صین اندلس عبران و سریانی *

* سیاق نسخ و تعلیق و منقذ ثلث و دیوانی *

* محقق رفعه توفیق و مسائل کوفی ربجانی *

* الهی فی طریق العلم از جوینک ارشادی *

یک * واحد احد * بر در برنجیدر یکم حادی
صوک * آخر * فارسی پایان ششم التمجیدر سادی
ضریر و خشت کورا و اش علیل و رخت در خسته
فلانتهر مهر قاومه کدا سائل فقیر آدی
بقین اوله منشو نزدیک و لا تقرب بروسر صکت
صاقن پرهیز و احذر خصمک آدی دشمن و عادی
پسانیدن صوارمق سنی باغچه جنت و قالبر
قنان سیراب ابله ریان صوسر در تشنه و صادی
کدرلو آسف و پرمان ضدی خرم و مسرور
المدراغه و غصه سونمکدر فرح شادی
صواقدی آب شیرید و جری المانه و جوی ابرمق
خداک هم قنطره کوپری دره داهادخی وادی
شتاب اسرع چابوق اول شمدی معناسی کنون الان
کک نورهات و پیساور مجلسه بازم بالسادی
بویه جربال ورنک وزرده چاودر ورس و مامیران
صاریدر زرد و فاقع زعفراندر کم کم و جادی
چشیدم ذقت طاندم طانلوق شیرینی ولذت
که مایخو شد در ترشترمن خایش طعمه دادی
کایم بتدی سفری انتها شدنانه ام پایان
ختم و بافدم صوکردر نخستین اول و بادی
قطعت القول بیریدم سخن را بن سوزی کسدم
خذ * وستان دیمک ال از قدر توشه ام زادی

۱۳۰۰ * خدانک شکری خویم اولدی تألیف کایمده *

* شاء الحق فی تنظیم زبری کان معنادی *

* رسیدم منزل مقصود را شد اندر زنگیل *

* فحمد الله غیر الله یا عینی لك الهادی *

